

مطالعات جغرافیایی مناطق خشک

دوره دهم، شماره سی و هفتم، پاییز ۱۳۹۸

تأیید نهایی: ۱۳۹۸/۱۰/۰۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۸/۱۲

صص ۱-۲۲

بررسی وضعیت دسترسی توان‌یابان به فضای شهری و تأثیر آن بر فعالیت داوطلبانه‌ی آن‌ها

مطالعه‌ی موردی: مجتمع آموزشی نیکوکاری توان‌یابان شهر مشهد

آمنه نیازی، دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اجتماعی-دانشگاه حکیم سبزواری

حسین قدرتی*، دانشیار جامعه‌شناسی-دانشگاه حکیم سبزواری

شفیعه قدرتی، استادیار جمعیت‌شناسی-دانشگاه حکیم سبزواری

چکیده

ایجاد فضای شهری به گونه‌ای که تمامی اقشار جامعه بتوانند از امکانات آن بهره‌مند شوند، زمینه‌ی مشارکت و فعالیت اجتماعی را برای افراد جامعه فراهم و از انزوای اجتماعی آن‌ها جلوگیری می‌کند. این پژوهش به دنبال بررسی وضعیت دسترسی توان‌یابان به فضای شهری و تأثیر آن بر فعالیت داوطلبانه‌ی آن‌ها در شهر مشهد است. رویکرد پژوهش حاضر کیفی-کمی و ابزار جمع‌آوری داده، مصاحبه‌های عمیق فردی و پرسش‌نامه محقق‌ساخته بر اساس نظریات، تحقیقات پیشین و مقولات مستخرج از بخش کیفی است. دامنه‌ی سنی افراد نمونه ۱۵ تا ۴۰ سال است و انتخاب نمونه در بخش کیفی به روش گلوله برفی و مصاحبه با ۱۵ نفر از توان‌یابان و در بخش کمی، یک تمام‌شماری از اعضای واجد شرایط سنی مجتمع آموزشی نیکوکاری توان‌یابان شهر مشهد در سال ۱۳۹۷-۹۸ صورت گرفته است. تعداد پاسخ‌گویان در این مرحله ۱۳۷ نفر است. مفاهیم و مقولات استخراج‌شده از بخش کیفی، مبین فشاری است که توان‌یابان برای حضور در شهر مشهد و انجام امور شخصی و اداری‌شان متحمل می‌شوند. توان‌یابان برای حضور در بخش‌های مختلف شهر مانند بانک‌ها، ادارات، پارک‌ها، پیاده‌روها، وسایل حمل‌ونقل، مکان‌های آموزشی و... دچار مشکل دسترسی هستند؛ بنابراین از بخش کیفی تحقیق، با هدف بررسی دسترسی توان‌یابان به یک محیط بدون مانع در فضای شهری، متغیرهای میزان دسترسی در محیط‌های کاری، سیستم حمل‌ونقل عمومی، فضای اداری، سازمانی و عمومی، معابر عمومی، مراکز آموزشی و محل سکونت را برای بررسی آماری در بخش کمی استخراج کردیم. نتایج تحلیل رگرسیون خطی نشان می‌دهد که سطح دسترسی توان‌یابان به فضای شهری بر میزان دسترسی آن‌ها به فعالیت‌های داوطلبانه تأثیرگذار است. نتایج نشان‌دهنده‌ی این است که هرچه میزان دسترسی آن‌ها به فضای شهری مشهد و سیستم حمل‌ونقل عمومی افزایش یابد، دسترسی آن‌ها به فعالیت داوطلبانه نیز افزایش می‌یابد، اما توزیع فراوانی پاسخ‌ها نشان می‌دهد ۷۰ درصد پاسخ‌گویان، وضعیت دسترسی به فضای شهری را متوسط رو به پایین ارزیابی کرده‌اند.

واژگان کلیدی: توان‌یابان، فعالیت داوطلبانه، فضای شهری، دسترسی، حمل‌ونقل عمومی.

* Email: H.ghodrati@hsu.ac.ir

نویسنده‌ی مسئول:

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد آمنه نیازی با عنوان «بررسی وضعیت تمایل و دسترسی توان‌یابان به فرصت‌های فعالیت داوطلبانه و سنجش عوامل موثر بر آن با مطالعه‌ی موردی: مجتمع آموزشی نیکوکاری توان‌یابان شهر مشهد» است.

۱- مقدمه

فضاهای شهری به‌عنوان یکی از عمده‌ترین مباحث شهری، در چارچوب سکونت‌گاه‌ها و زیست‌گاه‌ها قرار می‌گیرد، مانند فضاهای جمعی و عمومی، فضاهای تفریحی، فضاهای کاری، اداری و محل سکونت. این فضاها به واسطه‌ی تقویت ابعاد فرهنگی-اجتماعی جامعه و تولید سرمایه‌ی اجتماعی، جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌های توسعه شهری دارد. طراحی فضای شهری باید به‌گونه‌ای باشد که تمامی اقشار جامعه بتوانند از امکانات آن بهره‌مند شوند؛ بنابراین ایجاد فضایی مناسب و مطلوب برای همه‌ی گروه‌های سنی و جنسی، به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر مانند کودکان، سالمندان و توان‌یابان^۱ بخشی از برنامه‌های توسعه‌ی شهری قلمداد می‌شود. ایجاد چنین فضایی زمینه‌ی مشارکت و فعالیت اجتماعی را برای تمامی افراد جامعه فراهم و از انزوای اجتماعی آن‌ها جلوگیری می‌کند (صارمی و گودرزی، ۱۳۹۳: ۲).

به تناسب رشد جمعیت و شهرنشینی در جهان یکی از چالش‌هایی که دولت‌ها در حوزه‌ی ایجاد عدالت اجتماعی و اعتلای حقوق شهروندان با آن روبه‌رو هستند، بهره‌مندی آن‌ها از حقوق شهری است. در این میان، توجه به حقوق آن دسته از افرادی که دچار محرومیت یا مشکلات جسمی و یا به دلایل گوناگون نیازمند حمایت مضاعف هستند، تأثیری مستقیم بر کیفیت ارائه‌ی خدمات عمومی به جامعه از سوی دولت‌ها دارد. مفهوم شهروندی به‌عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی، تداعی‌کننده‌ی مشارکت فعالانه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، آموزشی و سیاسی است. با درک چنین مفهومی، مانند سایر اقشار جامعه هیچ استثنایی نباید مشمول حقوق انسانی توان‌یابان در شهر و انجام فعالیت‌های شهروندی شود. حقوقی مانند حق داشتن زندگی خصوصی و خانوادگی، دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی، فرصت‌های شغلی و آموزشی، مسکن، حمل‌ونقل، تسهیلات ورزشی و تفریحی (گرگی و شیرزاد، ۱۳۹۵: ۱۳۷).

در مباحث جامعه‌شناسی، ابعاد مختلفی از توان‌خواهی منطبق با فرهنگ لغات آکسفورد مطرح شده است مانند ابعاد جسمی، ذهنی، قانونی و ابعاد مرتبط با پول. در برخی از تعاریف، کارکرد بدنی از جنبه‌ی روان‌شناختی، ساختار بدنی و اندام فیزیکی، آسیب مسائل کارکردی و ساختاری، فعالیت‌ها و مشارکت و محدودیت آن‌ها، از عوامل محیطی و نگرشی متمایز شده و توجه اصلی بر عوامل محیطی معطوف شده است. برخی دیگر از این تعاریف مبتنی بر مدل پزشکی است که در آن توان‌یاب را بیمار تلقی می‌کنند که از پس انجام آموزش برنمی‌آید. منتقدین در پاسخ به چنین تعریفی از توان‌خواهی می‌گویند توان‌خواهی در فرد مستقر نیست، بلکه تبعیض تحمیل‌شده از طرف جامعه است که توانایی فرد را محدود می‌کند. به‌طورکلی باید توجه داشته باشیم که نیاز توان‌یابان به خدمات متفاوت نسبت به انسان‌های سالم نباید این را در ذهن ما تداعی کند که خودشان هم از ما متفاوت‌اند. توان‌یابان علی‌رغم متفاوت بودن وضعیت جسمی‌شان حق دارند از خدمات و رفتار اجتماعی برابری در جامعه برخوردار شوند (جلیلی، ۱۳۹۳: ۲۳). آن‌ها به‌عنوان بخش بزرگی از جامعه‌ی انسانی، طبعاً مشمول نظریات مشارکت اجتماعی می‌شوند. پاتنام در این زمینه معتقد است با افزایش مشارکت مدنی و گسترش شبکه‌های اجتماعی، اعتماد اجتماعی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی افزایش می‌یابد. دورکیم نیز معتقد است مشارکت داوطلبانه‌ی افراد در انجمن‌ها و مؤسسات موجب نشاط اجتماعی آن‌ها می‌شود (توسلی، ۱۳۸۹: ۶۶).

در حال حاضر عمدتاً سرمایه‌ی انسانی دلخواه سازمان‌ها (رسمی یا مردم‌نهاد) افرادی هستند که از وضعیت جسمانی بهتر و مهارت‌های اجتماعی و مدنی بیش‌تری برخوردارند؛ اما باید توجه داشت که سرمایه‌ی انسانی افراد از دل ارتباطات، تعاملات و مشارکت افراد در نهادهای اجتماعی به دست می‌آید که بر اساس مطالعات انجام‌شده، توان‌یابان در این راستا دچار محدودیت‌های دسترسی متنوعی هستند و به نظر می‌رسد دنیای امروز و فرصت‌های توزیع‌شده آن دنیایی است که عموماً برای انسان‌های سالم طراحی شده است، حال آنکه ما مدعی حقوق برابر انسان‌ها

۱- با توجه به بار مثبت واژه‌ی توان‌یاب، طی یکی-دو سال اخیر در کشور ایران سعی شده است از واژه‌ی توان‌یاب به‌جای واژه‌ی معلول استفاده شود؛ بنابراین در کل متن سعی شده است حداقل امکان از واژه‌ی توان‌یاب به‌جای واژه‌ی معلول و توان‌خواهی یا عارضه به‌جای واژه‌ی معلولیت استفاده شود. تمرکز این پژوهش بر توان‌یابان جسمی- حرکتی است.

در تمام زمینه‌ها هستیم. موانع موجود منجر به انزوای اجتماعی بیشتر و ایجاد احساس بیگانگی آن‌ها از جامعه می‌شود. درحالی‌که اگر آن‌ها به‌طور برابر به این فرصت‌ها دسترسی داشته باشند بر حس تعلق، اعتمادبه‌نفس، بهبود مهارت‌های اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی‌شان تأثیر مثبت خواهد داشت. یکی دیگر از آثار مثبت این است که مشارکت‌های داوطلبانه در بین جوانان توان‌یاب می‌تواند گام بزرگی در مسیر بزرگ‌سالی و کسب یک موقعیت شغلی دائمی برای آن‌ها باشد (Lindsay, 2016: 1534).

سازمان بهداشت جهانی تخمین می‌زند که ۱۴ درصد جمعیت جوامع را توان‌یابان جسمی، ذهنی و روانی تشکیل می‌دهد. طبق آخرین گزارش‌های آماری ایران، ۴ درصد جمعیت کشور را توان‌یابان تشکیل می‌دهند. تفاوت آمار سازمان بهداشت جهانی با آمار اعلام‌شده ایران دلایل مختلفی دارد از جمله تعریف ناتوانی که در جوامع مختلف متفاوت است. به‌عنوان مثال در آمریکا افرادی را که به دلیل کهولت سن یا بیماری‌های خاص، در انجام امور خود دچار محدودیت شده‌اند، نیز در زمره‌ی افراد دارای ناتوانی برمی‌شمارند. روش سرشماری جمعیت نیز می‌تواند در ارائه‌ی آمار دقیق، اختلال ایجاد کند، به‌عنوان مثال در سرشماری سال ۱۳۶۵، افراد دارای ناتوانی ذهنی سرشماری نشده‌اند و در سرشماری سال ۱۳۷۵ ایران، تعداد خانواده‌های واجد فرد توان‌یاب سرشماری شده است (WHO, 2011: 1049)؛ نصیب، ۱۳۹۰: ۲).

مشهد کلان‌شهری با جمعیتی حدود ۳۲۲۰۰۰۰ نفر و دومین شهر بزرگ کشور است. هرچند آمار دقیقی از تعداد توان‌یابان کشور وجود ندارد، اما تخمین زده می‌شود از این میزان، ۱۱ هزار نفر را توان‌یابان جسمی-حرکتی^۳ تشکیل می‌دهند. این شهر سالانه پذیرای بیش از ۲۵ میلیون زائر است (سازمان بهزیستی خراسان رضوی، ۱۳۹۶: ۱) که طبیعتاً در میان آن‌ها توان‌یابان نیز وجود دارند. وجود شهروندان توان‌یاب و گردشگری پذیر شهر مشهد، اهمیت تناسب فضای شهری و سیستم حمل‌ونقل عمومی با وضعیت فیزیکی توان‌یابان دوچندان می‌کند و به‌طورکلی توجه به اقشار آسیب‌پذیر جامعه از جمله توان‌یابان باید سرلوحه‌ی کار قانون‌گذاران، نهادها، مسئولین و مدیران شهری قرار گیرد. در سطح نظری و در مطالعات توان‌خواهی ایران، بحث مشارکت اجتماعی و فعالیت داوطلبانه‌ی توان‌یابان، به‌طور گسترده‌ای نادیده گرفته شده است، مطالعات انجام‌شده در شهر مشهد، محدود به بررسی رضایت توان‌یابان از عملکرد شهرداری و بررسی رابطه‌ی ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها با سلامت روان بوده است. مطالعات خارجی انجام‌شده در این حوزه نیز، مفهوم شهروندی را صرفاً در دسترسی به حقوق اجتماعی بحث کرده و کم‌تر وارد بحث مشارکت در کار، جامعه، خانواده، فناوری، تحصیل، حقوق جنسی و... شده‌اند (Sepulchre, 2017: 950). مطالعات نشان می‌دهد محدودیت دسترسی در فضای شهری یکی از محدودیت‌هایی است که توان‌یابان برای حضور در مناطق مختلف شهری با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. وجود محدودیت‌های فیزیکی در فضای شهری، مانع حضور توان‌یابان در فضای شهری می‌شود و انتخاب‌های توان‌یابان را در حوزه‌ی اشتغال رسمی، انتخاب رشته و محل تحصیل و استفاده از مراکز تفریحی و عمومی محدود می‌کند که برای بررسی موانع پیش روی پیشرفت، ارتقاء، حضور، برقراری ارتباط با دیگران، مشارکت و همکاری توان‌یابان در جامعه، بازسازی مفاهیم و معانی ذهنی توان‌یابان ضروری به نظر می‌رسد.

۱-۱- اهداف تحقیق

با توجه به ضعف پژوهشی در حوزه‌ی فعالیت‌های داوطلبانه توان‌یابان و محدودیت‌های دسترسی فضای شهری، این پژوهش به دنبال فهم این مسئله است که توان‌یابان شهر مشهد برای دسترسی در فضای شهری با چه مشکلات و موانعی روبه‌رو هستند و این موانع چه تأثیری در فعالیت‌های داوطلبانه آن‌ها دارد. این پژوهش شامل مراحل: (۱) شناخت مؤلفه‌های دسترسی توان‌یابان به فضای شهری (۲) شناخت رابطه‌ی سن، جنسیت، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل، اشتغال، درآمد و شدت عارضه‌ی توان‌یابان با دسترسی به فضای شهری (۳) شناخت رابطه‌ی مؤلفه‌های دسترسی

2- World Health Organization

۳- افرادی که به هر دلیلی دچار ضعف، اختلال یا عدم توانایی در انجام‌های حرکتی شده‌اند (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۶۸).

به سیستم حمل‌ونقل عمومی، معابر عمومی، محیط شغلی، اماکن آموزشی، محل سکونت، فضاهای عمومی، تفریحی، اداری و درمانی با وضعیت دسترسی توان‌یابان به فعالیت داوطلبانه است.

۲- پیشینه‌ی تحقیق

۱-۲- تحقیقات داخلی

گرچی و شیرزاد (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به جایگاه حقوق توان‌یابان در حوزه‌ی حقوق شهری پرداخته‌اند و سیر قوانین حاکم بر جامعه در حوزه‌ی شهرسازی و مرتبط با وضعیت توان‌یابان و بهره‌مندی آن‌ها از فضای شهری را مورد بررسی قرار داده و در نهایت به ارائه‌ی سیاست‌های راهبردی در امر قانون‌گذاری در این حوزه به روش توصیفی-تحلیلی پرداخته‌اند. مقامی و شاکرمی (۱۳۹۷) به بحث حق تفریح و فراغت توان‌یابان پرداخته است و عنوان می‌کنند که تحقق ماده‌ی ۳۰ سند CRPD^۴ در خصوص تفریح و مشارکت در فعالیت‌های فراغتی و فرهنگی نیازمند ارائه‌ی تمامی امکانات، تسهیلات و اماکن تفریحی و فرهنگی به توان‌یابان است که باید بنا بر اصل عدم تبعیض و رعایت اصول دسترسی و با در نظر گرفتن شرایط آن‌ها در جامعه باشد.

خلیلی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی حقوق توان‌یابان در کتابخانه‌های عمومی شهر تبریز پرداخته و معتقد است که توان‌یابان شهروندانی بدون حقوق در این کتابخانه‌ها هستند. از نظر وی دسترسی به اطلاعات از مهم‌ترین حقوق انسانی است و باعث مشارکت فعال فرد در جامعه و آگاهی از حقوق خود می‌شود. وی در پی پاسخ به این سؤال است که آیا توان‌یابان از امکانات برابری در دسترسی و استفاده از اطلاعات در کتابخانه‌ها برخوردارند؟ او با مطالعه در سطح کتابخانه‌های شهر تبریز به این نتیجه رسید که سطح خدمات عمومی آن‌ها پایین‌تر از حد متوسط است. شاطریان و همکاران (۱۳۹۶) به دنبال بررسی کمی و شناسایی الگوهای گذران فراغت توان‌خواهان جسمی در شهر کاشان هستند. آن‌ها موانعی مانند دسترسی فضایی، نبود نیمکت‌ها و امکانات بازی مناسب در پارک‌ها را در این خصوص برشمرده‌اند و برای بهبود وضعیت گذران فراغت توان‌یابان، اجرای برنامه‌های توان‌بخشی، برنامه‌های آموزشی در خانواده و جامعه، بهبود وضعیت اشتغال و عملکرد کارایی‌ها را پیشنهاد داده‌اند.

انصاری و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی کمی عملکرد مدیریت شهری نسبت به امور توان‌یابان جسمی-حرکتی شهر مشهد پرداخته‌اند. به نظر آن‌ها از عوامل مهم برقراری عدالت اجتماعی، یکسان بودن افراد در برابر قوانین است. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که توان‌یابان از عملکرد شهرداری در توجه به این قشر و مناسب‌سازی فضای شهر مشهد ناراضی هستند. پورحسین و همکاران (۱۳۹۵) تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی را بر مشارکت اجتماعی توان‌یابان جسمی-حرکتی مجتمع رعد تهران بررسی کرده‌اند. روش پژوهش آن‌ها شبه آزمایش با گروه کنترل بوده که نتایج آن نشان می‌دهد برگزاری جلسات مهارت‌آموزی اجتماعی بر میزان و نحوه‌ی مشارکت دانش‌آموزان در ابعاد نهادی و غیر نهادی تأثیرگذار است. صارمی و گودرزی (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی اولویت‌های حقوق شهروندی توان‌یابان و مشکلات معابر پیاده و سواره با روش توصیفی-تحلیلی و مراجعه به اسناد و مدارک معتبر پرداخته‌اند. در این تحقیق، آن‌ها بر مشکلات معابر پیاده و سواره برای توان‌یابان تمرکز دارند و پس‌از آن استانداردهای طراحی موردنیاز برای توان‌یابان را در این حوزه‌ها ارائه کردند. آن‌ها معتقدند باید امکانات لازم برای سیر و پیشرفت کلیه‌ی اقشار فراهم باشد، افراد توان‌یابان نیز از این امر مستثنی نیستند و محیط‌های شهری باید به‌گونه‌ای طراحی و مناسب‌سازی شود تا آن‌ها نیز بتوانند از کلیه‌ی امکانات آن بهره بگیرند. حیدرپور (۱۳۸۵) به بررسی مناسب‌سازی محیط زندگی توان‌یابان جسمی حرکتی می‌پردازد. وی عنوان می‌کند در بحث مناسب‌سازی، برنامه‌های سازگارسازی محیط با شرایط خاص توان‌یابان باید به‌منظور مشارکت آن‌ها در کلیه‌ی امور جامعه توجه کند و با هدف برابرسازی فرصت‌ها و رعایت حقوق افراد توان‌یاب انجام پذیرد.

۴- Convention on the Rights of Persones with Disabilities / پیمان‌نامه حقوق افراد دارای معلولیت

اسپولچر^۵ (۲۰۱۷) در فراتحلیلی به شناسایی ویژگی‌های بررسی‌شده شهروندی و توان‌خواهی از سال‌های ۱۹۸۵ تا ۲۰۱۵ پرداخته است. وی اشاره می‌کند که این مقالات نتوانسته‌اند مفهوم درستی در این خصوص تبیین کنند و عمدتاً مفهوم شهروندی را در دسترسی به حقوق اجتماعی بحث کرده و از ورود به بحث مشارکت در کار، جامعه، خانواده، فناوری، تحصیل، حقوق جنسی و ... خودداری کرده‌اند. وی پیشنهاد می‌دهد که برای گسترش دانش در این حوزه بیشتر به مفهوم‌سازی پرداخته شود، همه‌ی ابعاد شهروندی و پیچیدگی‌های شخصی توان‌یابان در نظر گرفته شود و فقط به ابعاد ذهنی و روان‌شناختی این مفهوم بسنده نشود. لیندسای^۶ (۲۰۱۶) تجربه‌ی کار داوطلبانه جوانان توان‌یاب و چالش‌های موجود در آن را در ۵ کشور با استفاده از شش پایگاه داده بین‌المللی طی یک نظرسنجی و نیز بررسی مطالعات پیشینی که به درک وضعیت توان‌یابان پرداخته‌اند، با هدف درک بهتر تجربه این جوانان بررسی کرده است. در این پژوهش لیندسای نتیجه می‌گیرد که علی‌رغم تمایل جوانان توان‌یاب به کار داوطلبانه فرصت‌های کمی برای آن‌ها فراهم است که این متأثر از چالش‌های مثل نگرش منفی کارفرما، مشکلات حمل‌ونقل و کمبود فرصت‌های کار داوطلبانه است.

اریکسون^۷ (۲۰۰۶) به بررسی وضعیت مشارکت کودکان و نوجوانان توان‌خواه در فعالیت‌های مدارس پرداخته است. وی اشاره می‌کند مشارکت برای رشد بهتر و رفاه بیشتر کودکان بسیار حیاتی و یک حق انسانی است. این مطالعه روی عوامل شخصی و محیطی که ارتباط نزدیکی با مشارکت فرد دارد متمرکز شده است. نتایج پژوهش اریکسون نشان می‌دهد مشارکت دارای ابعاد مختلفی است و متناسب با تجارب شخصی و نحوه‌ی تعامل کودکان با محیط شکل می‌گیرد. وی نتیجه می‌گیرد که مشارکت کودکان و نوجوانان توان‌خواه در مدارس نسبت به همسالان‌شان کم‌تر است و این به نوع تعامل و استقلال‌شان مرتبط است و نه به محیط و نوع ناتوانی آن‌ها. موریس^۸ (۲۰۰۵) نیز در پژوهش خود به بحث شهروندی و حقوق توان‌یابان توجه کرده است. او به دنبال ارائه‌ی یک تعریف عملیاتی از شهروندی و توان‌خواهی است و سیاست‌های عمومی، اجتماعی و اقتصادی این حوزه را به‌منظور ارائه‌ی راهبردهای مؤثر در حوزه‌ی حقوق شهروندی توان‌یابان بررسی می‌کند. پیشنهاد او برای بهبود وضعیت حقوق توان‌یابان، ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد توان‌یابان، ظرفیت‌سازی میان توان‌یابان، بهبود نگرش مردم به‌عنوان مانعی برای توان‌یابان، بهبود وضعیت مسکن و حمل‌ونقل توان‌یابان و اصلاحات قانون اساسی کشورهاست.

پیشینه‌ی تجربی بررسی‌شده نشان می‌دهد که مطالعات خارجی انجام‌شده در این حوزه عمدتاً مفهوم شهروندی را در دسترسی به حقوق اجتماعی بررسی کرده و کم‌تر وارد بحث مشارکت در کار، جامعه، خانواده، فناوری، تحصیل، حقوق جنسی و ... شده‌اند. این نکته‌ای است که اسپولچر (۲۰۱۷: ۹۵۱) به آن پرداخته است. در تحقیقات انجام‌شده در ایران نیز مطالعات مربوط به فعالیت‌های داوطلبانه توان‌یابان نادیده گرفته‌شده و عمده‌ی تحقیقات انجام‌شده در حوزه‌ی توان‌یابان به‌صورت توصیفی و پیمایشی انجام شده است. به نظر می‌رسد محققین توجه چندانی به مطالعه‌ی زمینه‌ای موضوع نکرده‌اند و صرفاً به بررسی موضوعاتی پرداخته‌اند که مربوط به حقوق شهروندی است و نه وظایف شهروندی. شهروندی مفهومی است که باید در رابطه‌ی متقابل با شهر تعریف شود. به‌طورکلی مشارکت اجتماعی و عضویت داوطلبانه در انجمن‌ها و حضور هرچه بیشتر افراد در اجتماع می‌تواند در ایفای بهتر نقش بزرگ‌سالی و هدایت از سکونت صرف در شهر به سمت شهروند بودن و افزایش اعتمادبه‌نفس و نشاط آن‌ها تأثیرگذار باشد. این موضوع در مورد توان‌یابان از اهمیت مضاعفی برخوردار است.

5- Sepulchre

6- Lindsay

7- Eriksson

8- Morris

۳- مبانی نظری

در این بخش با توجه به بحث مشارکت اجتماعی و فعالیت‌های داوطلبانه به‌عنوان متغیر وابسته تحقیق، ابتدا نظریات مرتبط با اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، نشاط اجتماعی و نظریات نوسازی را مطرح کردیم و در ادامه با توجه به این‌که جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر توان‌یابان هستند، پارادیم قدیمی و جدید توان‌خواهی و در پایان نیز با توجه به اینکه نیازهای توان‌یابان به‌عنوان شهروند و اقلیت جمعیتی، مهجور مانده است، مختصراً مباحث نظری تبعیض و نظریه‌ی بنیادی روان‌شناختی نیز مطرح شده است.

۳-۱- نظریات اعتماد و مشارکت اجتماعی

طرفداران نظریه‌ی اعتماد اجتماعی معتقدند وجود اعتماد و شبکه‌ی پیوندها بین افراد، سبب مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی می‌شود. اعتماد یکی از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در نظریه‌ی پاتنام است. از نظر پاتنام اعتماد اجتماعی به همان اندازه که یک نگرش شخصی است، یک دارایی ضروری نظام اجتماعی نیز به شمار می‌رود. پاتنام معتقد است هر چه اعتماد در یک جامعه در سطح بالاتر باشد، احتمال مشارکت بیش‌تر خواهد بود (پاتنام، ۱۳۸۰: ۳۰۰). در این زمینه‌ی اینگلههارت^۹ نیز معتقد است اعتماد، نقش مهمی برای بهروزی ذهنی، مشارکت سیاسی و عضویت سازمانی دارد و سرمایه‌ی اجتماعی را هم‌ارز اعتماد می‌داند که به واسطه‌ی آن سازمان‌های داوطلبانه گسترش می‌یابند (Inglehart, 1997: 68). دورکیم^{۱۰} معتقد است مشارکت اجتماعی از دو طریق، منشأ و منبع شادی افراد تلقی می‌شود: (۱) عضویت داوطلبانه در انجمن‌ها و مؤسسات (۲) از طریق عضویت در مجمع مذهبی و یا مشارکت‌های مذهبی. پارسونز نیز معتقد است هرگاه در موقعیت‌های اجتماعی کنش‌های ظاهری فرد معطوف به دیگران باشد، به همکاری و انسجام با دیگران می‌انجامد. سطح بالای انسجام زمانی است که کنش‌های افراد، اخلاقی و معطوف به یک جمع باشد؛ در این کنش، مسئولیت و وفاداری در قبال دیگران و جامعه به حد اعلا می‌رسد (توسلی، ۱۳۸۹: ۶۷).

آیزن^{۱۱} و فیش باین^{۱۲} در پی یافتن یک نظریه برای تبیین رفتار، به نقش‌گرایی اشاره می‌کنند. به نظر آن‌ها رفتار در پی زنجیره‌ای از عوامل به وجود می‌آید. حلقه‌ی ماقبل بروز رفتار، «قصد و نیت» و هنجار ذهنی است که به وجود آمدن «قصد و نیت» نیز به نوبه‌ی خود تابع دو متغیر گرایش به‌سوی رفتار و هنجار ذهنی است. متغیر اول (گرایش به‌سوی رفتار) یک متغیر فردی و شخصی است که طی آن، فرد انجام یک رفتار را از نظر خود ارزیابی می‌کند که آیا خوب یا بد است؟ متغیر دوم (هنجار ذهنی) منعکس‌کننده‌ی نفوذ و فشار اجتماعی است که شخص آن را برای انجام یک رفتار احساس و ادراک می‌کند. میزان تأثیر هر یک از این دو متغیر در به وجود آمدن قصد و نیت همیشه یکسان نیست و بستگی به شخصیت فرد و اوضاع اجتماعی دارد (رفیع‌پور، ۱۳۷۳: ۱۱-۹). لرنر^{۱۳} در نظریه‌ی نوسازی خود با تکیه بر چهار متغیر شهرنشینی، سواد، دسترسی به رسانه‌ها و مشارکت، این عوامل را به یکدیگر وابسته می‌داند و معتقد است هرچه از شخصیت سنتی به‌طرف شخصیت متجدد و مدرن حرکت کنیم همبستگی این چهار متغیر رو به افزایش می‌گذارد.

به عقیده‌ی لرنر جامعه جدید، جامعه‌ی مشارکتی است و فراگرد نوسازی، حرکت از جامعه‌ی سنتی به جامعه‌ی مشارکتی است (Lerner, 1964: 86؛ غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۸۲). گائوتری^{۱۴} چهار شرط عمده را برای نهادینه کردن و

9- Inglehart

10- Dorkhaym

11- Ajzen

12- Fishbein

13- Lerner

14- Cauterie

تثبیت فرآیند مشارکت در جامعه لازم می‌داند: ایدئولوژی مشارکت (بعد هنجاری)، نهادهای مشارکتی (بعد سازمانی)، اطلاعات کافی و امکانات مادی و تخصصی لازم. وی مشارکت را مستلزم تغییر حالات ذهنی و روانی و درونی‌سازی ارزش‌های مشارکت در همه‌ی سطوح می‌داند (پناهی و یزدان‌پناه، ۱۳۸۳: ۷۶). فریزر^{۱۵} معتقد است اگر رضایت متقابل به واسطه‌ی انگیزه‌های مادی و فرهنگی ایجاد نشود، هیچ مشارکتی ایجاد نخواهد شد. این نظریه همچنین بر اعتمادی تأکید می‌کند که مشابه نظریه‌ی پارسونز^{۱۶} مبتنی بر اراده است و فرد تحت شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه باز هم دارای اختیار در تصمیم‌گیری است (علفیان، ۱۳۷۹: ۹۱-۹۰). هانتینگتون^{۱۷} مشارکت را به معنای نقش شهروندان در تصمیم‌گیری‌های دولت مطرح کرده است و تحرک اجتماعی، عضویت در انجمن‌ها و گروه‌های اجتماعی را بسترساز مشارکت می‌داند (هانتینگتون، ۱۳۷۶: ۵۴). سیلز^{۱۸} معتقد است نیروهای اجتماعی مانند منزلت، تعلیم و تربیت، مذهب و... از عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی است و تغییر در هر دسته از نیروهای اجتماعی، شخصیتی و محیط اجتماعی میزان مشارکت افراد را کاهش یا افزایش می‌دهد (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۳۲۷).

۳-۲- پارادایم‌های توان‌خواهی

پارادایم قدیمی توان‌خواهی مبتنی بر مدل پزشکی است که در آن، فرد دارای شرایطی است که مطلوب نیست یا در گذشته رویدادی نامطلوب داشته، پس فرد واجد نقش بیمار می‌شود و از تکالیف اجتماعی معاف می‌گردد و باید از دستورات پزشکی تبعیت کند تا خوب شود و گرنه او ناسازگار تلقی خواهد شد. مدل‌های پزشکی از این نظر که قربانی را به‌عنوان بیمار یا فرد غیرقابل‌استخدام سرزنش می‌کند، نقد می‌شوند و در پاسخ به این نقدها ۹ مدل جایگزین برای مدل پزشکی به وجود آمده است که در مجموع می‌توان گفت پارادایم جدید توان‌خواهی روی فرآیندهایی که در آن ایفای نقش‌ها و وظایف اجتماعی، تبعیض را تولید می‌کند، تأکید دارد و معتقد است برخورد تبعیض‌آمیز با افراد توان‌یاب توسط سازمان‌های جامعه تولید شده است. پارادایم جدید عنوان می‌کند که آسیب‌های جسمی منجر به کیفیت پایین زندگی نمی‌شود و توان‌یابان هم مثل همه‌ی انسان‌ها برای داشتن زندگی مستقل نیاز به خدمات گوناگونی دارند و نباید رفتار انسانی نرمالی بتواند مبنای سیاست‌های اجتماعی قرار گیرد. این پارادایم اشاره می‌کند که مردم در طول زمان روی پیوستاری از عدم توان‌خواهی تا توان‌خواهی حرکت می‌کنند و لاجرم همه توان‌خواهی را تجربه می‌کنند (جلی، ۱۳۹۱: ۴۳-۴۰).

۳-۳- نظریات تبعیض، شهروندی و روان‌شناختی

تبعیض مبتنی بر تفاوت‌های واقعی یا خیالی "دیگران" نسبت به "ما" است. تفاوت‌هایی مثل رنگ پوست، ملیت، دین، فرهنگ و... که مبنای رفتارها و برخوردهای تبعیض‌آمیز قرار می‌گیرد. "دیگری‌سازی" تبدیل به معانی و مفاهیمی می‌شود، برای محروم‌سازی و تبعیض علیه دیگران. تبعیض توسط گروه‌هایی از جامعه تولید و بازتولید می‌شود که متناوباً به منابع قدرت و نفوذ نهادی دسترسی دارند. اشکال گوناگون تبعیض در ابعاد فردی، نهادی و ساختاری نمود می‌یابد و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر "دیگران" اعمال می‌شود (جلی، ۱۳۹۱: ۹۵).

نظریه‌ی بنیادی روان‌شناختی به شرح نیازهای اساسی روان‌شناختی از طریق ارتباط مستقیم آن با سلامت می‌پردازد. این نیازهای اساسی عبارت‌اند از: نیاز به استقلال، نیاز به شایستگی، نیاز به ارتباط. این نیاز زمانی برای فرد برآورده می‌شود که احساس کند اعمال خود را مبتنی بر اراده‌ی خود انجام می‌دهد و رفتارهای خودمختارانه باشد. نیاز به شایستگی زمانی برآورده می‌شود که فرد وظایف خود را به‌صورت بهینه و موفقیت‌آمیز به انجام رساند و نتایج مطلوبی کسب کند. زمانی که فرد احساس ارتباط با دیگران و عضوی از گروه بودن را دریافت کند، نیاز به ارتباط

15- Frazar

16- Parsons

17- Huntington

18- Silze

برآورده می‌شود. اهمیت برآورده شدن این نیازها در این است که انگیزه‌ی افراد برای مشارکت در یک فعالیت داوطلبانه به میزان تجربه‌ی ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی آن‌ها وابسته است (دهقانان و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۳).

۳-۴- جمع‌بندی نظری

بر اساس نظریات مکتب نوسازی، رفتار اجتماعی و طرز تفکر افراد، متناسب با ویژگی‌های عینی و بیرونی جامعه‌ی مدرن شکل گرفته است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، مشارکت افراد در امور سیاسی و اجتماعی است. توان‌یابان نیز مانند سایر اعضای جامعه نیاز به مشارکت در اجتماع و تصمیم‌گیری در امور آن دارند، پاتنام در این زمینه معتقد است هر چه اعتماد در یک جامعه در سطح بالاتری باشد، احتمال مشارکت بیشتر خواهد بود. به نظر او شبکه‌های مشارکت مدنی از اشکال ضروری سرمایه‌ی اجتماعی است و هرچه این شبکه‌ها در جامعه متراکم‌تر باشد، احتمال همکاری اعضا در جهت منافع را تقویت می‌کنند. چنانچه شاهد هستیم توان‌یابان در زمینه‌های مختلف برای حضور در جامعه از جمله فضای شهری، فضای آموزشی، معابر و اماکن عمومی و تفریحی، سیستم حمل‌ونقل عمومی و... دچار تبعیض و نابرابری هستند. گروه‌هایی از جامعه با دیگری سازی این افراد، به صورت مداوم و ناخواسته به تولید و بازتولید مفاهیمی خاص می‌پردازند که مبنای تبعیض علیه توان‌یابان قرار می‌گیرد. این در حالی است که گائوتری اشاره می‌کند جهت بسترسازی مشارکت در جامعه و نهادینه کردن بحث مشارکت در افراد، نیازمند تأمین امکانات مادی و تخصصی لازم در شهر و جامعه هستیم. بنا بر بحث نظری، این پژوهش متغیر وابسته خود را تحت عنوان وضعیت دسترسی توان‌یابان به فعالیت داوطلبانه در نظر گرفته و پس از بررسی مشکلات و موانع توان‌یابان برای حضور هرچه بیشترشان در جامعه در بخش کیفی پژوهش، با توجه به مقولات استخراج‌شده و تحقیقات پیشین، متغیر وضعیت دسترسی توان‌یابان به فضای شهری را با شش مؤلفه: ۱- سیستم حمل‌ونقل عمومی ۲- معابر عمومی ۳- محیط‌های شغلی ۴- اماکن آموزشی ۵- محل سکونت (خانه و محله) ۶- فضاهای عمومی، تفریحی، اداری و درمانی برای بررسی آماری در نظر گرفته است.

۴- محدوده‌ی مورد مطالعه

مشهد کلان‌شهری در شمال شرقی ایران با ۳۲۲۰۰۰۰۰ تن جمعیت و مرکز استان خراسان رضوی است که سالانه پذیرای بیش از ۲۵ میلیون زائر است. این شهر ۳۵۱ کیلومترمربع مساحت دارد. حمل‌ونقل درون‌شهری مشهد توسط سازمان تاکسی‌رانی، اتوبوس‌رانی، قطار شهری و معابر عمومی و فضای شهری آن توسط سازمان شهرداری مدیریت می‌شود. سازمان بهزیستی خراسان رضوی ۴۷۰ هزار نفر را تحت پوشش خود دارد که این میزان شامل توان‌یابان، زنان سرپرست خانوار، کودکان، دختران و زنان آسیب‌دیده است. متأسفانه آمار دقیقی از تعداد توان‌یابان شهر مشهد وجود ندارد، اما پیش‌بینی می‌شود ۲۰۰ هزار نفر توان‌یاب در استان وجود داشته باشد که از این تعداد ۵۰ هزار نفر ساکن شهر مشهد و ۱۱ هزار نفر را توان‌یابان جسمی حرکتی تشکیل می‌دهند. رئیس سازمان بهزیستی مشهد معتقد است تنها ۱۰ درصد از فضای شهری مشهد برای تردد توان‌یابان مناسب است (سازمان بهزیستی خراسان رضوی، ۱۳۹۶: ۱). از آنجاکه با توجه به وضعیت مناسب‌سازی و سیستم حمل‌ونقل درون‌شهری مشهد، توان‌یابان در تمامی سطح شهر تردد و فعالیت ندارند و جامعه‌ی هدف ما باید علاوه بر امکان تردد در فضای شهری، درک روشنی از مشارکت اجتماعی و فعالیت داوطلبانه داشته باشند، جامعه‌ی آماری ما توان‌یابان عضو مجتمع آموزشی نیکوکاری توان‌یابان است. این مرکز، تنها مرکز آموزشی توان‌یابان در شهر مشهد است و سایر مراکزی که توان‌یابان جسمی و ذهنی در آن حضور دارند شامل مراکز نگهداری و آسایشگاه‌ها (فیاض بخش، شهید بهشتی، همدم و آسایشگاه جوادالائمه) هستند که عمدتاً افراد دارای عارضه‌ی شدید را نگهداری می‌کنند، این توان‌یابان کم‌تر قادر به انجام امور شخصی خود هستند. مجتمع آموزشی نیکوکاری توان‌یابان، یک مرکز آموزشی مختص توان‌یابان جسمی-حرکتی است که دانش‌آموزان و کارآموزان آن، با توجه به تجهیز مرکز به سرویس‌های حمل‌ونقل مناسب‌سازی شده، از مناطق مختلف شهر مشهد (حاشیه، جنوب، مرکز و شمال شهر) و گروه‌های مختلف به لحاظ نوع و شدت عارضه و سن به این مرکز مراجعه می‌نمایند.

عمده‌ی این افراد به همراه خانواده و تعدادی از آن‌ها در آسایشگاه یا به‌طور مستقل زندگی می‌کنند. این مرکز نزدیک به ۲۵۰۰ مراجعه‌کننده‌ی توان‌یاب در طی دو دهه‌ی گذشته داشته و در حال حاضر ۱۶۰ عضو فعال از توان‌یابان جسمی-حرکتی ۱۲ تا ۵۰ سال در این مجموعه تحت آموزش قرار دارند که از این میان ۱۳۷ نفر واجد شرایط سنی ۴۰-۱۵ سال هستند که بر اساس سن کار و فعالیت افراد در نظر گرفته شده است. دوره‌های آموزشی مجتمع مذکور شامل دوره‌ی اول و دوم متوسطه، بافتنی و عروسک‌سازی، چرم‌دوزی، معرق، روبان‌دوزی، ICDL، آموزش فتوشاپ، زبان انگلیسی، خوشنویسی، نقاشی (سیاه‌قلم، آبرنگ، رنگ‌روغن)، موسیقی و آواز، تئاتر و... است.

۵- روش‌شناسی تحقیق

برای بررسی موضوع پژوهش حاضر، با توجه به این‌که در این حوزه با ضعف پژوهش در داخل کشور مواجه هستیم و نیز نظریه‌ها عموماً برآمده از بافت اجتماعی کشورهای توسعه‌یافته است، طبیعتاً عوامل و متغیرهای مستخرج از نظریه‌ها و تحقیقات پیشین، از جامعیت کافی برخوردار نیستند. به همین خاطر با انجام مصاحبه‌های کیفی باز، به‌صورت اکتشافی عوامل زمینه‌سازی را که موجد محدودیت‌های فیزیکی در سطح شهر مشهد برای توان‌یابان است، استخراج کردیم تا نهایتاً امکان لحاظ کردن آن‌ها در پرسش‌نامه کمی فراهم گردد؛ بنابراین رویکرد پژوهش حاضر رویکرد کیفی-کمی و با راهبرد مطالعه‌ی موردی است. نمونه‌های این پژوهش در بخش کیفی به روش گلوله برفی معطوف به هدف انتخاب شده‌اند و جمع‌آوری داده تا جایی ادامه یافته که اشباع نظری در خصوص مضامین استخراج‌شده حاصل گردید. پس از آن، مقولات و مفاهیم از زمینه‌ی مطالعه با استفاده از تحلیل مضمونی مبتنی بر روش کدگذاری نظری استخراج گردید و پس از تدوین پرسش‌نامه‌ای بر اساس الگوی استخراج‌شده از زمینه‌ی مطالعه، نظریات موجود و تحقیقات پیشین، به اندازه‌گیری رابطه‌ی میان مؤلفه‌های دسترسی توان‌یابان به فضای شهری و وضعیت دسترسی آن‌ها به فعالیت داوطلبانه پرداختیم. ابزار جمع‌آوری داده در بخش کیفی مصاحبه‌های عمیق فردی و در بخش کمی پرسش‌نامه محقق ساخته است. انتخاب نمونه در بخش کمی یک تمام‌شماری از افراد ۱۵ تا ۴۰ سال مجتمع آموزشی نیکوکاری توان‌یابان مشهد در سال ۱۳۹۷-۹۸ است. شدت عارضه‌ی توان‌یابان طبق دسته‌بندی مندرج روی کارت بهزیستی افراد (خفیف، متوسط، شدید) اخذ شده است. در طراحی پرسش‌نامه از طیف پنج‌قسمتی لیکرت استفاده شده است.

جدول ۱: طیف پنج‌قسمتی لیکرت

۵	۴	۳	۲	۱	طیف پنج‌قسمتی لیکرت
خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	

۶- مفاهیم اصلی

توان‌خواهی:^{۱۹} طبق آخرین تعریفی که سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۸۱ در مورد توان‌خواهی ارائه کرده، «عبارت است از: عوامل جسمی، ذهنی، اجتماعی و یا ترکیبی از آن‌ها به‌نحوی که در زندگی شخص اثر سوء ایجاد کند و مانع ادامه زندگی او به‌صورت طبیعی شود» (WHO, 2001: 1048).

فعالیت داوطلبانه:^{۲۰} فعالیتی بشردوستانه و اقدامی جمعی در جهت بهبود کیفیت زندگی انسانی بدون منفعت مالی که با هدایت سرمایه‌ی انسانی و سرمایه‌های فرهنگی صورت می‌گیرد (Lindsay, 2016: 1535; Wilson, 1997: 698; Oesterle, 2004: 1129). انواع فعالیت داوطلبانه می‌تواند امور خیریه و به نفع دیگران، کار دانشجویی، کار داوطلبانه و مشارکت در انجمن‌های علمی-دانشجویی-آموزشی، باشگاه‌های ورزشی، گروه‌های سرود و تئاتر جوانان،

19- Disability

20- Volunteer Activity

فعالیت سیاسی در ستادها و شوراهای محلی و شهری، فعالیت‌های فرهنگی، هنری و مذهبی، کمک‌رسانی به کمپین‌های حمایتی و... باشد.

مشارکت اجتماعی: ^{۲۱} «مشارکت مردمی به معنای کوشش و تلاش جمعی در یک زمینه‌ی سازمانی است که اعضا با به‌کارگیری و صرف منابع درصدد دستیابی به اهداف جمعی‌شان هستند» (Rahman, 1993:150). «مشارکت اجتماعی فرآیندی سازمان‌یافته است که افراد در آن بر مبنای اعتماد، از روی آگاهی و داوطلبانه به فعالیت مشترک در راستای اهداف جمعی می‌پردازند» (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۹۰).

۷- یافته‌های تحقیق

۷-۱- یافته‌های بخش کیفی

در بخش کیفی به بررسی وضعیت دسترسی توان‌یابان جسمی-حرکتی به فضای شهری در سال ۱۳۹۷-۹۸ پرداخته‌ایم. تعداد نمونه، ۱۵ نفر از اعضای مجموعه آموزشی نیکوکاری توان‌یابان مشهد و دامنه‌ی سنی مصاحبه‌شوندگان از ۱۹ تا ۳۹ سال بود. از ۱۵ توان‌یاب مصاحبه شده، ۶ نفر مرد و ۹ نفر زن، ۱ نفر متأهل و ۱۴ نفر مجرد، ۷ نفر دارای تحصیلات غیردانشگاهی و ۸ نفر دارای تحصیلات دانشگاهی، ۱۰ نفر بیکار و ۵ نفر آن‌ها دارای شغل پاره‌وقت هستند. میانگین درآمد این پاسخ‌گویان زیر ۵۰۰ هزار تومان است. داده‌های جمع‌آوری شده بر اساس تحلیل مضمونی مبتنی بر کدگذاری نظری تفسیر گردید. در ابتدا مفاهیم و کدهای باز از مصاحبه‌ها استخراج شد، سپس این کدهای باز با توجه به مفاهیم و مضامین مشترک به روش کدگذاری محوری و گزینشی، مقوله‌بندی گردیدند. کدها و مقولات مستخرج در جدول ۲ ارائه شده است.

بر اساس نظریه‌ی گائوتری، اگر میزان مناسب‌سازی فضای شهری را در زمره‌ی امکانات مادی لازم در نظر بگیریم، در مقایسه با اینکه توان‌یابان مورد مطالعه اظهار داشته‌اند یکی از اصلی‌ترین موانع پیش روی آن‌ها برای مشارکت‌های مردمی و اجتماعی، مشارکت‌های رسمی یا داوطلبانه، وضعیت دسترسی در فضای شهری است، وضعیت موجود حاکی از فشاری است که توان‌یابان برای حضور در شهر و انجام امور شخصی و اداری‌شان متحمل می‌شوند. توان‌یابان برای حضور در بخش‌های مختلف شهر مانند بانک‌ها، دستگاه‌های خودپرداز، ادارات، پارک‌ها، پیاده‌روها، وسایل حمل‌ونقل عمومی، محل سکونت، مکان‌های آموزشی، سرویس‌های بهداشتی عمومی و... دچار مشکل دسترسی هستند. همان‌طور که پاتنام نیز در نظریه‌ی اعتماد اجتماعی اهمیت این موضوع را در شکل‌گیری تمایل افراد به انجام مشارکت مطرح کرده است، نقل‌قول‌ها نیز نشان می‌دهد عدم تناسب امکانات فیزیکی و تخصصی لازم با وضعیت جسمی توان‌یابان این مسئله را به آن‌ها القا می‌کند که افراد سالم، مسئولین و نهادهای جامعه نسبت به مشکلات آن‌ها بی‌توجه‌اند و امکانات فیزیکی شهرها عمدتاً منطبق با نیاز افراد سالم طراحی شده است. آن‌طور که توان‌یابان مورد مطالعه در این بخش اظهار داشتند طراحی نامتناسب فضای شهری در حوزه‌های فضاهای عمومی، درمانی، تفریحی و درمانی، فضاهای آموزشی، محل سکونت، محیط‌های شغلی و معابر عمومی و سیستم حمل‌ونقل نامناسب، مانع حضور هرچه بیشتر آن‌ها در جامعه شده است. توان‌یابان به دنبال کسب استقلال فردی و اقتصادی در امور خودشان هستند، اما وجود موانعی از این دست، استقلال آن‌ها را محدود به فرصت‌های موجود و نابرابر در جامعه می‌کند. توان‌یابان مورد مطالعه اظهار می‌کنند تا زمانی که شغلی به دست نیاورند و به لحاظ اقتصادی تأمین نباشند و فضای شهری نیز مناسب‌سازی نشده باشد، زمینه‌ی ورود به جامعه و مشارکت‌شان در امور آن مهیا نیست. همان‌طور که آیزن و فیش باین در تبیین رفتار به نقش گرایش و متغیر هنجار ذهنی اشاره کرده‌اند و آن را منعکس‌کننده‌ی نفوذ و فشار اجتماعی می‌دانند که شخص آن

را برای انجام یک رفتار احساس و ادراک می‌کند، توان‌یابان مورد مطالعه‌ی این پژوهش برای ابراز و اثبات توانایی‌های خود در این شرایط فضایی شهر فشار زیادی را متحمل می‌شوند.

جدول ۲: کدها و مقولات

مضمون	مقوله‌ها	مفاهیم	نقل قول
دسترسی در فضای شهری	سیستم حمل و نقل عمومی	مناسب نبودن اتوبوس‌ها و تاکسی‌ها	ساعت‌ها منتظر می‌مونیم تا به اتوبوس مناسب‌سازی شده بیاد و گرنه باید مدت‌ها منتظر بمونیم و تاکسی بگیریم.
		مناسب نبودن وسایل نقلیه‌ی بین شهری	مسافرت که میریم، رو زمین می‌شینیم تا بتونیم بریم داخل اتوبوس
	معايير عمومی	مناسب نبودن رمپ‌ها، فضاهای عمومی و تفریحی	رمپ‌های سطح شهر و مکان‌های عمومی و تفریحی یا شیبشون زیاده یا جلوشون ماشین پارک کردن
	محیط شغلی	مناسب نبودن محیط شغلی	فرصت‌های شغلی رو به خاطر پله یا نبودن رمپ از دست میدیم.
	فضا عمومی، اداری، تفریحی	مناسب نبودن فضاهای اداری، بانک و عابر بانک‌ها	کلی دم در بانک منتظر می‌مونم تا متصدی بیاد دم در مدارکمو بگیره، ورودی شهرداری رمپ نداره و جلوش یه جدول بزرگه
		مناسب نبودن سرویس‌های بهداشتی	دوران مدرسه زنگ تفریح می‌رفتم خونه که بتونم برم دستشویی
	امکان آموزشی	محدودیت انتخاب‌های توان‌یاب (دانشگاه، محل تفریح و...)	مجبور بودم پیام نور رو انتخاب کنم، کلاساش غیرحضوریه
	محل سکونت	دسترسی محلی	
دسترسی در آپارتمان و منزل			۲۰ ساله نتونستم برم خونه خواهرام، چون آپارتمانشون کلی پله داره، ویلچرم از در حمام خونه جا نمیشه داخل

۷-۱-۱- بخشی از نقل قول‌های توان‌یابان

یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «چند سال پیش کاری به من پیشنهاد شد که از طرف بهزیستی معرفی شدم. رزومه و مصاحبه‌ام تأیید شد، اما زمانی که محل کارمو دیدم، معماری جوری بود که نمی‌شد با صندلی چرخ‌دار رفت‌وآمد کرد. بهزیستی حمایتی نکرد که اونجا مسیر دسترسی رو تغییر بده، اصلاً دغدغه مشکلات مارو ندارند. وقتی می‌خواهی خونه اجاره کنی، هم کلی دردسر هست؛ باید خونه‌ای پیدا کنی که همکف باشه و جلوی ورودی حمام و دستشویی و... پله نداشته باشه و خب با پول تو هم جور در بیاد. واسه مراجعه به بانک مشکل داریم، باید با بانک تماس بگیریم و شرایطمون رو توضیح بدیم تا به کارمند بیاد پایین و مدارک مارو تحویل بگیره و کارمون رو انجام بده».

مصاحبه‌شونده‌ی دیگر توضیح می‌دهد که افراد سالم به حقوق آن‌ها توجهی ندارند: «فضاسازی شهر مناسب ما نیست، خیلی جاها پل نداره، اونجاهایی هم که داره، یکی میاد ماشینشو پارک میکنه». دیگری می‌گوید: «من از ۱۰ سالگی مشکل پیدا کردم، به خاطر مشکلات رفت‌وآمد و نداشتن ویلچیر سه سال ترک تحصیل کردم، وقتی خواهر کوچکترم به کلاس چهارم رسید، تونستیم ویلچر بخریم و با هم رفتیم مدرسه». مصاحبه‌شونده‌ی دیگر عنوان می‌کند: «تو مدرسه و دانشگاه باید دیگران به هم کمک می‌کردن و از پله‌ها می‌بردنم بالا، چند بار از پله‌ها سقوط کردیم، از آمفی‌تئاتر دانشگاه اصلاً نتونستم استفاده کنم و تو مراسمات شرکت کنم». مصاحبه‌شونده‌ی دیگری، علی‌رغم تمایلش به حضور بیش‌تر در فعالیت‌های اجتماعی می‌گوید: «به خاطر اینکه فضای شهر مناسب نیست، پدرم به من اجازه‌ی

حضور تو هر فعالیتی رو نمی‌ده، نگرانه که خب اگر تو مسیر مشکلی پیش بیاد، چه اتفاقی میفته؟ باید جاهایی رو انتخاب کنم که تو محدوده‌ی خونه‌مون باشه یا مثل اینجا سرویس مناسب‌سازی شده داشته باشه». یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان بر این باور است که: «باید به شرایط توان‌یابان توجه بشه، به فضاهای اونا، خیلی جاها کار پیدا می‌کنی به خاطر دو تا پله نمی‌تونن بری، اتوبوس‌ها مناسب‌سازی نشده، دانشگاه‌ها مناسب‌سازی نیست، نابیناها و ناشنواها برای استفاده از شهر و یا جزوات درسی مشکل دارن، مسئولین اصلاً به وضعیت ما توجه نمی‌کنند». مصاحبه‌شونده‌ی دیگری نیز عنوان می‌کند که: «وضعیت سرویس‌های بهداشتی عمومی مناسب نیست، دوران تحصیل مجبور شدیم هم برای رفت‌وآمد راحت‌تر، هم استفاده از سرویس بهداشتی، خونمون رو عوض کنیم و بیاریم نزدیک مدرسه و بین ساعت کلاس‌ها من همراه یکی از بچه‌ها می‌رفتم خونه تا برم سرویس بهداشتی».

۷-۲- تدوین پرسش‌نامه

متغیرهای تحقیق در بخش کمی بر اساس مقولات استخراج‌شده از بخش کیفی، نظریات موجود و تحقیقات پیشین تعیین شده است؛ بنابراین سؤالاتی متناسب با متغیرهای ویژگی‌های فردی (سن، جنسیت، سطح تحصیلات، وضعیت تاهل، اشتغال، سطح درآمد، شدت عارضه)، وضعیت دسترسی توان‌یابان در فضای شهری (سیستم حمل‌ونقل عمومی، معابر عمومی، محیط‌های شغلی، اماکن آموزشی، محل سکونت، فضاهای عمومی، اداری و درمانی)، طرح و گویه‌های مرتبط در پرسش‌نامه جای داده شد.

۷-۲-۱- سؤالات

۱- وضعیت دسترسی توان‌یابان به فضای شهری

- آیا بین وضعیت دسترسی توان‌یابان به سیستم حمل‌ونقل عمومی با دسترسی‌شان به فعالیت داوطلبانه رابطه وجود دارد؟
- آیا بین وضعیت دسترسی توان‌یابان در محیط‌های شغلی با دسترسی آن‌ها به فعالیت داوطلبانه رابطه وجود دارد؟
- آیا بین وضعیت دسترسی توان‌یابان در معابر عمومی با دسترسی آن‌ها به فعالیت داوطلبانه رابطه وجود دارد؟
- آیا بین وضعیت دسترسی توان‌یابان در محل سکونت با دسترسی آن‌ها به فعالیت داوطلبانه رابطه وجود دارد؟
- آیا بین وضعیت دسترسی توان‌یابان در اماکن آموزشی با دسترسی آن‌ها به فعالیت داوطلبانه رابطه وجود دارد؟
- آیا بین وضعیت دسترسی توان‌یابان به فضاهای عمومی با دسترسی آن‌ها به فعالیت داوطلبانه رابطه وجود دارد؟

۲- متغیرهای زمینه‌ای

- آیا بین سن با وضعیت دسترسی توان‌یابان به فعالیت داوطلبانه رابطه وجود دارد؟
- آیا بین جنسیت با وضعیت دسترسی توان‌یابان به فعالیت داوطلبانه رابطه وجود دارد؟
- آیا بین سطح تحصیلات با وضعیت دسترسی توان‌یابان به فعالیت داوطلبانه رابطه وجود دارد؟
- آیا بین وضعیت تاهل با وضعیت دسترسی توان‌یابان به فعالیت داوطلبانه رابطه وجود دارد؟
- آیا بین وضعیت اشتغال با وضعیت دسترسی توان‌یابان به فعالیت داوطلبانه رابطه وجود دارد؟
- آیا بین سطح درآمد با وضعیت دسترسی توان‌یابان به فعالیت داوطلبانه رابطه وجود دارد؟
- آیا بین شدت عارضه با وضعیت دسترسی توان‌یابان به فعالیت داوطلبانه رابطه وجود دارد؟

۷-۲-۲- تعریف متغیرها

وضعیت دسترسی توان‌یابان به فعالیت داوطلبانه: از آن‌جا که توان‌یابان به‌عنوان بخش بزرگی از جامعه‌ی انسانی مشمول نظریات مشارکت اجتماعی می‌شوند، این متغیر با هدف بررسی وضعیت دسترسی به فرصت‌های توزیع‌شده‌ی مشارکت اجتماعی و فعالیت داوطلبانه‌ی توان‌یابان در جامعه به‌عنوان متغیر وابسته تحقیق در نظر گرفته شده است. این متغیر شامل دو مؤلفه است: (۱) وضعیت تمایل توان‌یابان به فعالیت داوطلبانه و (۲) وضعیت دسترسی

توان یاب به فرصت‌های فعالیت داوطلبانه است. همان‌طور که در بخش مفاهیم گفته شد، فعالیت داوطلبانه فعالیتی است بدون منفعت مالی که افراد آن را که در راستای اهداف جمعی و با هدایت سرمایه‌های انسانی و فرهنگی انجام می‌دهند. فعالیت داوطلبانه شامل انواع کار داوطلبانه و مشارکت‌های اجتماعی در انجمن‌ها، سازمان‌های رسمی و غیررسمی و گروه‌های محلی است. مشارکت‌های اجتماعی به منظور دخالت فرد در تعیین سرنوشت خود و جامعه در حوزه‌ی عمومی شکل می‌گیرد که در سه بُعد ذهنی، عینی و روحیه‌ی مشارکتی دسته‌بندی می‌شود. بعد ذهنی، میزان تمایل فرد به مشارکت و فعالیت‌های داوطلبانه است. بعد عینی و رفتاری مشارکت از طریق عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم‌گیری خود را نشان می‌دهد و روحیه‌ی مشارکتی به معنی متقاعد و درگیر شدن افراد در مشارکت و فعالیت‌های درون‌سازمانی است. در اینجا ما بعد ذهنی و روحیه‌ی مشارکتی را در گویه‌های مؤلفه تمایل توان‌یابان به فعالیت داوطلبانه و بعد عینی را در گویه‌های مؤلفه میزان دسترسی و عضویت آن‌ها در فعالیت‌های داوطلبانه جای داده‌ایم. ابتدا وضعیت توزیع، دسترسی و استفاده‌ی توان‌یابان به این فرصت‌ها، حوزه‌ی موردعلاقه توان‌یابان برای مشارکت در جامعه و سپس وضعیت مشارکت آن‌ها در حال حاضر و نگرش خودشان و دیگر افراد جامعه به مهارت‌ها و توانایی‌های آن‌ها در مشارکت‌های داوطلبانه در ۱۱ گویه سنجیده شده است.

وضعیت دسترسی توان‌یابان به فضای شهری: دسترسی توان‌یابان به یک محیط بدون مانع در فضای شهری، متغیر مستقل موردبررسی در این تحقیق است. محیط بدون مانع، فضایی است برای حرکت، عملکرد و دسترسی به همه چیز، صرف‌نظر از سن و جنس برای مجموعه‌ای از فضای شهری که برای همه در دسترس باشد (محسنی تبریزی و کفشیان، ۱۳۹۴). برای عملیاتی کردن این متغیر مطابق مفاهیم و مقولات استخراج‌شده از بخش کیفی و تحقیقات پیشین، میزان دسترسی به فضای محیط‌های شغلی، سیستم حمل‌ونقل عمومی، فضاهای عمومی (اداری، تفریحی، سازمانی و درمانی)، معابر عمومی، مراکز آموزشی و محل سکونت در پرسش‌نامه با ۵۳ گویه در نظر گرفته شده است.

۷-۲-۳- اعتبار و پایایی سنج‌ها

در ادامه با توجه به مناسب بودن ضریب آلفا در ۳۰ پرسش‌نامه‌ی اول، جمع‌آوری داده را، با توجه به در دسترس بودن لیست ۱۶۰ نفری اعضای مجتمع آموزشی نیکوکاری توان‌یابان مشهد، با تمام‌شماری از افراد واجد شرایط سنی ۱۵-۴۰ سال این مجتمع تا ۱۳۷ پرسش‌نامه ادامه دادیم. ۲۳ نفر از اعضای این مجتمع واجد شرایط سنی موردنظر این تحقیق نبودند. نتایج آلفای کرونباخ که در جدول ۳ آمده است، حاکی از این است که پرسش‌نامه از قابلیت اعتماد خوبی برای اندازه‌گیری تأثیر وضعیت دسترسی توان‌یابان به فضای شهری بر دسترسی آن‌ها به فعالیت داوطلبانه برخوردار است.

جدول ۳: ضریب آلفای کرونباخ

ضریب آلفای کرونباخ	تعداد گویه‌ها	متغیرهای زیرمجموعه		متغیرهای مستقل و وابسته	
۰/۷۸	۶	تردد، نحوه همکاری شهرداری، بهزیستی و کارفرما در مناسب‌سازی محیط	محیط‌های شغلی	وضعیت دسترسی توان‌یابان در فضای شهری	متغیر مستقل
۰/۶۶	۸	اتوبوس‌های درون‌شهری و برون‌شهری، فرودگاه‌ها، راه‌آهن، خطوط LRT و BRT	سیستم حمل‌ونقل عمومی		
۰/۸۷	۱۳	پارک، اداره‌جات، بانک‌ها و ...	فضاهای عمومی، اداری و درمانی		
۰/۹۴	۱۰	مدارس، دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها، آموزشگاه‌ها	اماکن آموزشی		
۰/۷۹	۶	محل، آپارتمان و داخل خانه	محل سکونت		
۰/۸۴	۱۰	پیاده‌روها، پل‌های هوایی، زیرگذرها و ...	معابر عمومی		
۰/۶۳	۱۲	توزیع فرصت‌ها و دسترسی و میزان مشارکت	وضعیت دسترسی توان‌یابان به فعالیت داوطلبانه	متغیر وابسته	

به‌منظور بررسی روایی سازه‌ای و تأیید تناسب گویه‌ها با هدف تحقیق (تطابق سازه نظری و سازه‌ی تجربی)، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده کردیم تا بتوانیم به دقت داده‌های حاصل از پرسش‌نامه اعتماد کنیم. یافته‌ها نشان می‌دهد که گویه‌ها بر عامل‌های مورد انتظار بار شدند. نتایج آزمون معناداری این تحلیل در جدول ۴ آمده است که مقدار $0,71$ برای آزمون KMO^{22} نشان می‌دهد که داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب‌اند. نتیجه‌ی میزان معناداری آزمون کرویت بارلت $0,000$ نشان می‌دهد که ارتباط معناداری میان متغیرها وجود دارد.

جدول ۴: آزمون KMO و بارلت

آزمون KMO		۰/۷۱
آزمون بارلت	Chi-Square	۰۹/۹۵۹
	درجه‌ی آزادی	۳۵۱
	معناداری	۰/۰۰۰

۷-۳- یافته‌های کمی

۷-۳-۱- ویژگی‌های فردی پاسخ‌گویان

از ۱۳۷ توان‌یاب پاسخ‌گو در بخش کمی این پژوهش، ۷۸ نفر (۵۷ درصد) پاسخ‌گویان مرد و ۵۹ نفر (۴۳ درصد) پاسخ‌گویان زن می‌باشند. از این تعداد پاسخ‌گو، ۱۲۶ نفر (۹۱/۹ درصد) مجرد و ۱۱ نفر (۸/۱ درصد) متأهل هستند. ۱۰۶ نفر از پاسخ‌گویان (۷۷,۳۷ درصد) دارای تحصیلات غیردانشگاهی و ۳۱ نفر (۲۲/۶۲ درصد) دارای تحصیلات دانشگاهی هستند که در این میان، بیش‌ترین توزیع فراوانی مربوط به مدرک تحصیلی دیپلم؛ یعنی ۶۸ نفر (۴۳,۹ درصد) است. در بحث اشتغال، ۱۱۴ نفر (۸۲ درصد) پاسخ‌گویان بیکار و ۲۳ نفر (۱۸ درصد) توان‌یابان پاسخ‌گو شاغل هستند. از تعدد ۱۳۷ پاسخ‌دهنده، ۱۱۴ نفر (۸۲ درصد) مربوط به افرادی هستند که هیچ درآمدی ندارند و این تعداد با تعداد غیر شاغلان برابر است و تنها ۲۳ نفر (۱۸ درصد) پاسخ‌گویان درآمد شخصی دارند. میانگین درآمد این پاسخ‌گویان ۲۲۸ هزار تومان است. نتایج آماری این بخش نشان‌دهنده‌ی مشکلات توان‌یابان برای کسب یک شغل دائمی است. در متغیر شدت عارضه که منطبق با دسته‌بندی مندرج روی کارت بهزیستی افراد است، بیش‌ترین توزیع فراوانی مربوط به پاسخ‌گویان با عارضه‌ی شدید؛ یعنی ۸۰ نفر (۵۸ درصد) و کم‌ترین توزیع فراوانی مربوط به پاسخ‌گویان با عارضه‌ی خفیف؛ یعنی ۱۴ نفر (۱۰/۱ درصد) است. از حیث وسیله‌ی کمکی مورد استفاده، پاسخ‌گویان در سه دسته کسانی که از هیچ‌گونه وسیله‌ی کمکی استفاده نمی‌کنند، کسانی که از ویلچر استفاده می‌کنند و کسانی که از سایر وسایل کمکی (مانند عصا، واکر، بریس، پروتز و...) استفاده می‌کنند قرار گرفته‌اند که از تعداد ۱۳۷ پاسخ‌گو، بیش‌ترین توزیع فراوانی مربوط به توان‌یابانی است که از ویلچر استفاده می‌کنند؛ یعنی ۶۹ نفر (۵۰ درصد) و کم‌ترین توزیع فراوانی ۲۰ نفر (۱۵/۲ درصد) مربوط به توان‌یابانی است که از سایر وسایل کمکی استفاده می‌کنند.

۷-۳-۲- توزیع فراوانی

در طراحی پرسش‌نامه از طیف پنج‌قسمتی لیکرت استفاده شده است؛ اما با توجه به پراکندگی پاسخ‌ها، هنگام تحلیل داده‌ها تصمیم بر آن شد که گویه‌های پرسش‌نامه طی فرآیند کدگذاری مجدد به سه سطح تقلیل یابد. نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که ۷۰ نفر (۵۱ درصد) پاسخ‌گویان میزان دسترسی در محیط‌های شغلی را متوسط رو به پایین ارزیابی کرده‌اند. این در حالی است ۵۸ نفر (۴۳ درصد) پاسخ‌گویان به دلیل محدودیت‌های فضایی، تاکنون در محیط‌های شغلی قرار نگرفته‌اند و گویه‌های مرتبط با دسترسی فضایی را هنگام تکمیل پرسش‌نامه بی‌پاسخ

22- Kaiser-Meyer-Olkin

23- Bartlett's test of sphericity

گذاشته‌اند. بر اساس نتایج جدول ۵، ۷۰ نفر (۵۱ درصد) پاسخ‌گویان میزان دسترسی‌شان به سیستم حمل‌ونقل را متوسط ارزیابی کرده و ۴۰ نفر (۳۰ درصد) پاسخ‌گویان از وضعیت دسترسی‌شان به سیستم حمل‌ونقل عمومی ناراضی‌اند. باید توجه داشت که افرادی که از ویلچر استفاده می‌کنند، محدودیت‌های بیشتری را در دسترسی به فضای شهری تجربه می‌کنند. از طرفی نرخ توزیع فراوانی گویه‌های این متغیر نشان می‌دهد که میزان رضایت توان‌یابان از دسترسی به اتوبوس‌ها، تاکسی‌ها، خطوط راه‌آهن بین‌شهری و قطارها متوسط رو به پایین ارزیابی شده است، در حالی که میزان رضایت برای استفاده از فرودگاه‌ها، خطوط BRT و LRT متوسط رو به بالا ارزیابی شده است.

جدول ۵: توزیع فراوانی مؤلفه‌های متغیر دسترسی به فضای شهری

تایف پاسخ‌ها	سیستم حمل‌ونقل عمومی	محیط‌های شغلی	فضای اداری، تفریحی، درمانی و عمومی	معايير عمومی	محل سکونت	اماکن آموزشی
پایین	۳۰%	۲۷%	۳۸%	۴۲%	۲۲%	۳۷%
متوسط	۵۱%	۲۴%	۴۳%	۳۵%	۴۸%	۴۴%
بالا	۱۹%	۶%	۱۹%	۲۳%	۳۰%	۱۵%
مجموع	۱۰۰%	۵۷%	۱۰۰%	۱۰۰%	۱۰۰%	۹۶%

جدول ۵ نشان می‌دهد که ۵۹ نفر (۴۳ درصد)، وضعیت دسترسی در فضاهای اداری و عمومی را متوسط ارزیابی کرده‌اند و ۵۷ نفر (۴۲ درصد) نیز از دسترسی به معیار عمومی ناراضی‌اند. ارقام جدول ۵ نشان می‌دهد ۶۵ نفر (۴۸ درصد) پاسخ‌گویان وضعیت دسترسی در محل سکونت خود را متوسط ارزیابی کرده‌اند. دسترسی در محل سکونت شامل دسترسی در داخل خانه، سوپرمارکت‌ها، عابریانک‌ها، نانوایی‌ها و میوه‌فروشی‌ها، پارک‌های محلی و... است. این وضعیت نیز متأثر از شدت عارضه‌ی و نوع وسیله‌ی کمکی مورد استفاده‌شان است. ۶۰ نفر (۴۴ درصد) پاسخ‌گویان دسترسی در اماکن آموزشی مثل مدارس و دانشگاه‌ها را متوسط ارزیابی کرده‌اند. توزیع فراوانی گویه‌ها نشان می‌دهد که حدود ۷۰ درصد پاسخ‌گویان میزان دسترسی در محوطه‌ها و فضای برگزاری کلاس‌ها را متوسط ارزیابی کرده‌اند، اما میزان دسترسی به فضاهایی مثل آمفی‌تئاترها، سلف‌سرویس‌ها، خوابگاه‌ها (محوطه، طبقات، حمام و سرویس بهداشتی)، سرویس‌های بهداشتی عمومی و نیز دسترسی به قفسه‌های کتابخانه‌ها را متوسط رو به پایین ارزیابی کرده‌اند. لازم به ذکر است ۴ درصد توان‌یابان بی‌سواد بوده و تاکنون در اماکن آموزشی قرار نگرفته‌اند و گویه‌های مربوط به اماکن آموزشی را بی‌پاسخ گذاشته‌اند، آن‌ها علت بی‌سوادی خود را بی‌اطلاعی از وجود مدارس و مجتمع آموزشی توان‌یابان یا مخالفت خانواده با تحصیل به علت مشکلات جسمی-حرکتی عنوان کرده‌اند.

۷-۳-۳- آزمون رابطه‌ی میان متغیرها

در این بخش به بررسی اثرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته می‌پردازیم و قصد داریم سؤالات تحقیق را بررسی و نتایج را به صورت کمی بیان کنیم. برای بررسی رابطه‌ی وضعیت دسترسی به فعالیت داوطلبانه و متغیرهای زمینه‌ای پاسخ‌گویان، با توجه به سطح اندازه‌گیری آن‌ها از آزمون تفاوت میانگین دو نمونه مستقل^{۲۴} استفاده کردیم. نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که بر اساس سطح معناداری (۰/۰۰) برای متغیر جنسیت و (۰/۰۱) برای متغیر وضعیت اشتغال، تفاوت میانگین وضعیت دسترسی به فعالیت داوطلبانه که در بین پاسخ‌دهندگان شاغل بیشتر از پاسخ‌دهندگان بیکار و بین پاسخ‌دهندگان مرد بیشتر از پاسخ‌دهندگان زن است، معنادار است. به نظر می‌رسد در یک

24- Independent Sample T-Test

جامعه‌ی مردسالار، ویژگی‌های مردسالارانه در میان توان‌یابان نیز به همان شکل خود را نشان می‌دهند. نتایج همچنین نشان می‌دهد که سطح معناداری بین متغیرهای سطح تحصیلات و وضعیت تأهل با متغیر وضعیت دسترسی به فعالیت داوطلبانه معنادار نیست.

جدول ۶: نتایج آزمون t متغیر جنسیت و متغیر اشتغال

متغیر وابسته	متغیر مستقل	طبقه‌بندی	تعداد	میانگین	سطح معناداری
وضعیت دسترسی توان‌یابان فعالیت داوطلبانه	جنسیت	زن	۷۸	۵۶/۳۷	۰/۰۰
		مرد	۵۹	۴۰/۳۷	
	وضعیت اشتغال	بیکار	۱۱۴	۲۳/۳۹	۰/۰۱
		شاغل	۲۳	۷۸/۳۶	

برای تشخیص این‌که متغیر شدت عارضه در تمام سطوح، اثر مستقیمی بر وضعیت دسترسی به فعالیت داوطلبانه‌ی توان‌یابان دارد، با استفاده از روش تحلیل واریانس یک‌طرفه به بررسی آن پرداختیم که بر اساس سطح معناداری (۰/۰۰) در جدول ۷ میانگین وضعیت دسترسی به فعالیت داوطلبانه بر اساس شدت عارضه‌ی آن‌ها متفاوت است، در نتیجه اختلاف میانگین آن‌ها معنادار است. نتایج آزمون LSD نشان می‌دهد توان‌یابانی که دارای شدت عارضه‌ی متوسط هستند، از نظر میانگین دسترسی به فعالیت داوطلبانه (۳۹،۸۱)، تفاوت معناداری را با توان‌یابان دارای شدت عارضه‌ی خفیف (۳۶،۷۱) نشان می‌دهند، اما بین توان‌یابانی که دارای شدت عارضه‌ی متوسط هستند، از نظر میانگین دسترسی به فعالیت داوطلبانه (۳۹،۸۱) و توان‌یابان با شدت عارضه‌ی شدید، تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود.

جدول ۷: نتایج آزمون f متغیر شدت عارضه

متغیر	طبقات	سطح معنی‌داری	میانگین	سطح معناداری	
شدت عارضه	خفیف	متوسط	۳۶/۷۱	۰/۰۰	
		شدید			۰/۱۸
	متوسط	خفیف	۳۹/۸۱		۰/۰۳
		شدید			۰/۱۶
	شدید	خفیف	۳۸/۵۵		۰/۱۸
		متوسط			۰/۱۶

۷-۳-۴- نتایج آزمون همبستگی پیرسون

برای آزمون رابطه‌ی وضعیت دسترسی توان‌یابان به فعالیت داوطلبانه و متغیرهای زمینه‌ای سن و سطح درآمد، با توجه به سطح اندازه‌گیری آن‌ها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج این آزمون در جدول ۸ آمده است.

جدول ۸: ضرایب همبستگی بین متغیرهای مستقل و متغیر وضعیت دسترسی توان‌یابان به فعالیت داوطلبانه

وضعیت دسترسی توان‌یابان به فعالیت داوطلبانه	مقدار ضریب همبستگی	سطح معناداری
سن	۰/۱۸	۰/۰۰
سطح درآمد	۰/۱۵	۰/۰۱

بر اساس سطوح معناداری و مقدار ضریب همبستگی متغیرهای مستقل در جدول ۸، رابطه‌ی متغیرهای سن، درآمد با متغیر وابسته رابطه‌ی معنادار و جهت این رابطه مستقیم است. نتایج نشان می‌دهد که با افزایش سن و سطح درآمد، میزان دسترسی توان‌یابان به فعالیت داوطلبانه افزایش می‌یابد و بالعکس. همین‌طور بر اساس مقدار ضریب

همبستگی، شدت تأثیر متغیر سن و سطح درآمد بر وضعیت دسترسی توان‌یابان به فعالیت داوطلبانه، ضعیف گزارش می‌شود. با افزایش سن، توان‌یابان نیز مانند سایر افراد فرصت‌های بیش‌تری برای حضور در جامعه دارند و تجارب بیش‌تری در سطح اجتماع کسب می‌کنند. محدودیت‌های فیزیکی فضای شهری باعث می‌شود توان‌یابان در سنین پایین‌تر، کم‌تر در انجام امور شخصی خود استقلال داشته و عمدتاً برای انجام فعالیت‌های خود و حضور در فضای شهری، نیاز به کمک دیگران و حضور یک نفر همراه داشته باشند که این وابستگی به دیگران برای انجام امور، استقلال و تجربه‌های اجتماعی آن‌ها را محدود می‌کند. معنادار بودن رابطه‌ی سن با متغیر وابسته نشان می‌دهد که تجربه‌ی توان‌یابان در حوزه‌های مختلف مانند تحصیل، اشتغال، استفاده از رسانه‌ها، ارتباطات جمعی و... در وضعیت تمایل و دسترسی آن‌ها به فعالیت داوطلبانه تأثیرگذار است. از طرفی با توجه به معناداری رابطه‌ی سطح درآمد توان‌یابان با متغیر وابسته به نظر می‌رسد که هرچه دغدغه‌های اقتصادی توان‌یابان کم‌تر باشد، در افزایش تمایل و دسترسی آن‌ها به فعالیت داوطلبانه تأثیرگذار است؛ اما محدودیت‌های فیزیکی فضای شهری باعث شده توان‌یابان کم‌تر به محیط‌های شغلی مناسب با وضعیت جسمی‌شان دسترسی داشته باشند، آن‌گونه که نتایج نشان می‌دهد ۸۲ درصد توان‌یابان مورد مطالعه، بدون شغل و بدون درآمد هستند.

۷-۳-۵- نتایج آزمون رگرسیون خطی به روش هم‌زمان

برای تبیین نظری و مطالعه‌ی تأثیر هم‌زمان متغیرهای مستقل از آزمون رگرسیون خطی به روش هم‌زمان استفاده شده است که شامل ۵ مدل است. مقدار ضریب تعیین (R^2) به دست آمده برای متغیرها مطابق جدول ۹ است. در مدل اول، ۳۷/۲ درصد از مجموع تغییرات متغیر وابسته توسط مدل تحلیلی ۱ تبیین می‌شود و به ترتیب ۴۱/۹ درصد، ۶۱/۸ درصد، ۶۶ درصد و ۶۸/۴ درصد از مجموع تغییرات متغیر وابسته توسط مدل‌های تحلیلی ۲، ۳، ۴ و ۵ تبیین می‌شود و بر این اساس ضریب خطا (e^2) نیز برای مدل ۵ برابر ۳۱/۶ درصد است؛ بدین معنی که ۳۱/۶ درصد واریانس متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین نشده است. نتایج نشان می‌دهد متغیرهای وارد شده به مدل رگرسیونی، همبستگی بالایی با متغیر وضعیت دسترسی توان‌یابان به فعالیت داوطلبانه دارند و با ورود همه‌ی متغیرها به مدل به‌طور هم‌زمان، ضریب اثرگذاری ۶۸/۴ درصد است که این نشان از جامعیت مدل دارد. طبق جدول ۹ در مدل پنجم، بر اساس سطح معناداری (۰/۰۰) ضرایب رگرسیونی B و Beta نیز برای متغیرهای این مدل‌ها معنادار است.

جدول ۹: ضرایب مدل رگرسیونی به روش هم‌زمان

ضرایب مدل ۵					سطح معناداری	ضریب R^2	مدل
Sig	T	Beta	B	دسترسی در ...			
۰/۰۰	۳/۴۸۷	۰/۶۲۴	۰/۵۳	فضاهای اداری، عمومی و سازمانی	۰/۱۵	۰/۳۷۲	۱
۰/۰۰	۲/۸۸۳	۰/۳۸۳	۰/۳۱	معابر عمومی			
۰/۰۳	۲/۱۹۲	۰/۳۲۶	۰/۳	اماکن آموزشی	۰/۰۱	۰/۴۱۹	۲
۰/۰۲	۰/۹۸۶	۰/۱۱۲	۰/۱۴	محیط‌های شغلی	۰/۰۱	۰/۶۱۸	۳
۰/۰۰	۳/۷۷	۰/۴۸۴	۰/۶	سیستم حمل‌ونقل	۰/۰۰	۰/۶۶۰	۴
۰/۰۵	۰/۳۲	۱/۷۸۰	۰/۲۱۹	محل سکونت	۰/۰۰	۰/۶۸۴	۵

با توجه به معناداری مدل‌ها تحلیل رگرسیون، به نظر می‌رسد محدودیت‌های دسترسی به فضای شهری برای توان‌یابان، میزان دسترسی آن‌ها را به فعالیت‌های داوطلبانه و همین‌طور کسب شغل دائمی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. حضور هرچه بیش‌تر توان‌یابان در فضای شهری و محیط‌های شغلی و آموزشی از جمله در سازمان‌ها، ادارات، مراکز

تفریحی و عمومی، پارک‌ها، فرهنگ‌سراها، مساجد، مدارس، دانشگاه‌ها و... می‌تواند همراه با عضویت بیش‌تر آن‌ها در انجمن‌های علمی، گروه‌های فرهنگی، هنری، ورزشی، مذهبی و... باشد.

۸- نتیجه‌گیری

هدف کلی این پژوهش، بررسی وضعیت دسترسی توان‌یابان جسمی-حرکتی شهر مشهد به فضای شهری و تأثیر آن بر وضعیت دسترسی آن‌ها به فعالیت داوطلبانه با رویکرد کیفی-کمی در سال ۱۳۹۷-۹۸ بود. یافته‌های بخش کیفی پژوهش حاضر نشان داد که عواملی مانند سیستم حمل‌ونقل نامناسب، طراحی نامناسب فضای شهری در بخش‌های مختلف شهر مانند معابر عمومی، فضاهای سازمانی، اداری، آموزشی، تفریحی، مذهبی، ورزشی، سرویس‌های بهداشتی عمومی، محل سکونت و... مانع حضور هرچه بیش‌تر توان‌یابان در جامعه شده است. این عوامل انتخاب‌های توان‌یابان شهر مشهد را در حوزه‌ی اشتغال رسمی، فعالیت داوطلبانه، رشته و محل تحصیل و حتی استفاده از مراکز تفریحی و عمومی محدود کرده است. به‌طورکلی می‌توان گفت توان‌یابان برای حضور در شهر مشهد و انجام امور شخصی و اداری‌شان فشار زیادی متحمل می‌شوند و همان‌طور که فایفر^{۲۵} (۲۰۰۵: ۲۳) اشاره می‌کند، این وضعیت نشان‌دهنده‌ی یک گسست بین نیازهای پایه و نیازهای اجتماعی توان‌یابان شهر مشهد و وجود تبعیض علیه آن‌ها در جامعه است. درحالی‌که اگر آن‌ها به‌طور برابر به این فرصت‌ها دسترسی داشته باشند، حضور در اجتماع باعث افزایش اعتمادبه‌نفس آن‌ها، بهبود و گسترش مهارت‌های ارتباطی، شناخت توانایی‌ها و مهارت‌های فردی و بهبود کیفیت زندگی‌شان خواهد شد. بر اساس نظریه‌ی بنیادی روان‌شناختی نیازهای اساسی انسان نیاز به استقلال، شایستگی و ارتباط است و این نیازها زمانی برآورده می‌شود که فرد احساس کند اعمال خود را مبتنی بر اراده‌ی خود انجام می‌دهد و رفتارهای خودمختارانه است (دهقانان و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۸). نتایج نشان می‌دهد که اعمال و فعالیت‌های فردی و اجتماعی توان‌یابان تا حد زیادی تحت تأثیر امکانات فیزیکی موجود در شهر مشهد قرار می‌گیرد و عملاً مشارکت اقتصادی و اجتماعی آن‌ها را تحت کنترل خود قرار می‌دهد.

بر اساس مقولات استخراج‌شده از بخش کیفی پژوهش حاضر، نظریه‌ها و تحقیقات پیشین، پرسش‌نامه‌ای تدوین شد تا بتوان به آزمون روابط آماری بین ویژگی‌های به‌دست‌آمده از آن پرداخته و میزان تأثیر عوامل شناسایی‌شده را بر دسترسی توان‌یابان جسمی-حرکتی شهر مشهد به فعالیت داوطلبانه اندازه‌گیری نماییم. متغیرهای مستقل تحقیق شامل متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، سطح درآمد، تحصیلات، وضعیت اشتغال، شدت عارضه‌ی) و شش مؤلفه‌ی دسترسی به فضای شهری (محیط‌های شغلی، معابر عمومی، محل سکونت، اماکن آموزشی، سیستم حمل‌ونقل عمومی و فضاهای اداری، تفریحی، درمانی و عمومی) بود. نتایج حاصل از آزمون رابطه‌ی میان متغیرهای تحقیق نشان می‌دهد که به‌جز متغیر وضعیت تأهل و سطح تحصیلات، بین متغیرهای سن، جنسیت، اشتغال، سطح درآمد، شدت عارضه، مؤلفه‌های متغیر وضعیت دسترسی در فضای شهری بر دسترسی توان‌یابان با سطح دسترسی به فعالیت داوطلبانه رابطه‌ی وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون خطی نشان می‌دهد سطح دسترسی توان‌یابان به فضای شهری (ازجمله محیط‌های شغلی، فضاهای عمومی، اداری، آموزشی، درمانی، کتابخانه‌ها، مساجد و معابر عمومی) و سیستم حمل‌ونقل عمومی بر وضعیت دسترسی توان‌یابان شهر مشهد بر فعالیت داوطلبانه آن‌ها تأثیرگذار است و هرچه میزان دسترسی آن‌ها به فضای شهری و سیستم حمل‌ونقل عمومی افزایش یابد، سطح دسترسی آن‌ها به فعالیت‌های داوطلبانه نیز افزایش می‌یابد. این یافته‌ها با نتایج تحقیق گرجی و شیرزاد (۱۳۹۷: ۱۳۷)، صارمی و گودرزی (۱۳۹۳: ۱)، خلیلی (۱۳۹۶: ۱)، شاطریان و همکاران (۱۳۹۶: ۱۵۴) و مقامی و شاکرمی (۱۳۹۷: ۳۰۶) نیز منطبق است، به نظر آن‌ها توان‌یابان در بهره‌مندی از فضای شهری ازجمله معابر پیاده و سواره، مراکز تفریحی و کتابخانه‌های عمومی دچار مشکل هستند.

در پارادایم قدیمی توان‌خواهی، مبنای تعاریف و نگرش افراد نسبت به توان‌یابان، مبتنی بر مدل پزشکی است و توان‌یابان را بیمارانی تلقی می‌کنند که حتی از پس امور خود بر نمی‌آیند؛ اما پارادایم جدید توان‌خواهی روی فرآیندهایی که در آن ایفای نقش‌ها و وظایف اجتماعی، تبعیض را تولید می‌کند، تأکید دارد و معتقد است برخورد تبعیض‌آمیز با افراد توان‌یاب، توسط سازمان‌های جامعه تولید شده است، توان‌یابان هم مثل همه‌ی انسان‌ها برای داشتن زندگی مستقل، نیاز به خدمات گوناگونی دارند و نباید رفتار انسان‌نرمال، مبنای سیاست‌های اجتماعی قرار گیرد (جبلی، ۱۳۹۱: ۴۳-۴۰). بر اساس نتایج پژوهش حاضر، وضعیت بهره‌مندی توان‌یابان از فضای شهری مشهد نشان می‌دهد که شرایط جسمی و فیزیکی توان‌یابان در تدوین، تصویب قوانین و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی این شهر مورد توجه قرار نمی‌گیرد و در پی آن توان‌یابان نمی‌توانند به استقلال اقتصادی و اجتماعی دست یابند.

دسترسی در فضاهای اداری و عمومی و معابر عمومی شهر مشهد برای توان‌یابان همراه با محدودیت‌های متنوعی است. وجود پله در ورودی ساختمان‌های اداری یا بین طبقات، نبود آسانسور، صف‌های طولانی انتظار در بانک‌ها، ارتفاع زیاد باجه‌های پاسخ‌گویی و استندهای نوبت‌گیری، موزه‌ها و کاروانسراهای تاریخی، نانوایی‌ها، هایپرمارکت‌ها و... خصوصاً افرادی را که از عصا، بریس و پروتزهای مصنوعی استفاده می‌کنند، دچار مشکل می‌کند. در فضاهایی مانند پارک‌ها، پیاده‌روها به دلیل وجود سنگفرش‌های تزئینی و سطوح شیب‌داری که شیب استاندارد در آن‌ها رعایت نشده است، اتومبیل‌هایی که جلوی سطوح شیب‌دار پارک می‌کنند، موانع موجود در معابر عمومی، موانعی که ساخت‌وسازهای غیراصولی در سطح شهر ایجاد می‌کند، باغچه‌های عریض در پیاده‌روهای محلی، تعداد کم سطوح شیب‌دار به خصوص در مناطق شهری تازه‌ساز شهر مشهد برای توان‌یابان دردسرساز است و حضور آن‌ها را در این اماکن محدود، زمان‌بر و یا منوط به حضور یک نفر همراه می‌کند.

همان‌طور که نتایج آماری نشان داد با افزایش شدت عارضه، میزان دسترسی توان‌یابان شهر مشهد به سیستم حمل‌ونقل عمومی، محیط‌های شغلی، فضاهای تفریحی، سازمانی، اداری و آموزشی و معابر عمومی کاهش می‌یابد؛ بنابراین دسترسی به فضای شهری وابسته به شدت و نوع عارضه و وسیله‌ی کمکی مورد استفاده توان‌یاب است، به طوری که افرادی که از ویلچر استفاده می‌کنند، محدودیت‌های بیشتری را در دسترسی به فضای شهری تجربه می‌کنند. محدودیت آن‌ها هنگام سوارشدن به اتوبوس‌ها، قطارها و تاکسی‌ها و استفاده از سرویس‌های بهداشتی عمومی و تردد در مساجد، فضاهای اداری، آموزشی، درمانی و کتابخانه‌ها، به مراتب بیش‌تر از توان‌یابانی است که از عصا واکر، بریس و پروتز استفاده می‌کنند. وجود این محدودیت‌های فیزیکی در فضای شهر مشهد، استقلال فردی و اقتصادی توان‌یابان را تحت تأثیر قرار داده و بر دسترسی آن‌ها به فعالیت‌های داوطلبانه اثرگذار است. گائوتری، جهت ایجاد بسترسازی‌های مناسب برای مشارکت مردم چهار شرط عمده را لازم می‌داند که عبارت‌اند از: ایدئولوژی مشارکت (بعد هنجاری)، نهادهای مشارکتی (بعد سازمانی)، اطلاعات کافی و امکانات مادی و تخصصی لازم (پناهی و یزدان‌پناه، ۱۳۸۳: ۷۶). لیندسای (۲۰۱۶: ۱۵۴۲) نیز در پژوهش خود نتیجه گرفته است که علی‌رغم تمایل جوانان توان‌یاب به کار داوطلبانه فرصت‌های کمی برای مشارکت آن‌ها فراهم است که این متأثر از نگرش منفی کارفرما، مشکلات حمل‌ونقل و کمبود فرصت‌های کار داوطلبانه است. نوری (۱۳۶۶: ۲۸) برابری فرصت‌های اشتغال رسمی میان انسان‌های سالم و توان‌یاب را یک ضرورت برای جوامع عنوان می‌کند. نتایج تحقیق حاضر نیز نشان می‌دهد که امکانات مادی و تخصصی لازم در فضای شهری برای مشارکت و فعالیت توان‌یابان جسمی-حرکتی شهر مشهد در مقایسه با افراد سالم، به طور برابر توزیع نشده است و محدودیت‌های فیزیکی فضای شهری و سیستم حمل‌ونقل عمومی باعث شده توان‌یابان مشهودی کم‌تر به محیط‌های شغلی، آموزشی و فعالیت‌های داوطلبانه دسترسی داشته باشند.

نظریات حوزه‌ی تبعیض به این واقعیت اشاره می‌کند که دسته‌ای از انسان‌ها خود را به‌عنوان افراد برتر و وضعیت نرمال در جامعه تعریف کرده‌اند و گروه‌هایی از افراد جامعه را به‌واسطه‌ی رنگ، نژاد، توان‌خواهی، جنسیت و... طرد کرده‌اند (جبلی، ۱۳۹۱: ۸۸). طبق نتایج آماری تحقیق حاضر ۷۰/۹ درصد پاسخ‌گویان معتقدند که فرصت فعالیت

داوطلبانه در جامعه برای آن‌ها فراهم نیست و ۶۸/۳ درصد نیز اظهار کرده‌اند چنانچه برای مشارکت داوطلبانه به مرکزی مراجعه کنند، مسئولین آنجا از پذیرش آن‌ها امتناع می‌ورزند. در این زمینه، دورکیم معتقد است هرگاه در موقعیت‌های اجتماعی کنش‌های ظاهری فرد معطوف به دیگران باشد، به همکاری و انسجام با دیگران می‌انجامد. سطح بالای انسجام زمانی ممکن می‌شود که کنش‌های افراد، اخلاقی و معطوف به یک جمع باشد. در این کنش، مسئولیت و وفاداری در قبال دیگران و جامعه به‌حداعلای خود می‌رسد، اما همان‌طور که نتایج نشان داد با کاهش دسترسی به امکانات موجود در فضای شهری مشهود، میزان دسترسی توان‌یابان به فعالیت داوطلبانه کاهش می‌یابد. مشکلات دسترسی به فضای شهری، فرصت ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر، کسب شغل دائمی و مشارکت در فعالیت داوطلبانه آن‌ها را محدود و توان‌یابان شهر مشهود را از گروه‌های اجتماعی دور خواهد کرد. درحالی‌که حضور هرچه بیشتر توان‌یابان در فضای شهری می‌تواند با عضویت بیشتر این افراد در انجمن‌های داوطلبانه از جمله گروه‌های هنری، ادبی، ورزشی، سیاسی و مذهبی باشد.

به‌طور کلی حقوق شهروندی بر پایه‌ی نیازهای انسانی در نظر گرفته شده است تا افراد در آن بتوانند آزادانه عمل کرده و استقلال یابند. مفهوم شهروندی به‌عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی تداعی‌کننده‌ی مشارکت فعالانه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، آموزشی و سیاسی است (گرچی و شیرزاد، ۱۳۹۷: ۱۶۵). در این زمینه، توان‌یابان برای حضور فعالانه در جامعه باید مانند سایر افراد از امکانات و فرصت‌های برابری برخوردار باشند. صارمی و گودرزی (۱۳۹۳: ۱) نیز معتقدند طراحی فضای شهری باید به‌گونه‌ای باشد که تمامی اقشار جامعه بتوانند از امکانات آن بهره‌مند شوند؛ اما نتایج پژوهش حاضر نشان‌دهنده‌ی وجود وضعیتی نابرابر در حوزه‌ی بهره‌مندی توان‌یابان از فضای شهر مشهود در مقایسه با افراد سالم است.

۹- پیشنهادات

نتایج آماری پژوهش حاضر، میزان رضایت پایین توان‌یابان از وضعیت دسترسی به فضای شهری را نشان می‌دهد و حدود ۷۰ درصد توان‌یابان شرکت‌کننده از وضعیت دسترسی در بخش‌های مختلف فضای شهری رضایت پایینی داشته‌اند، با توجه به معنادار بودن رابطه‌ی این متغیرها با میزان دسترسی توان‌یابان به فرصت‌های فعالیت داوطلبانه و متناسب با گویه‌های سنجیده شده در این پژوهش اقدامات زیر پیشنهاد می‌شود: ۱- ساخت سطوح شیب‌دار در ورودی بانک‌ها و ساختمان‌های اداری ۲- طراحی ایستگاه‌های خودپرداز بانک متناسب با وضعیت توان‌یابان (کاهش ارتفاع نصب، حذف پله، تجهیز به سیستم صوتی) ۳- ساخت سطوح شیب‌دار استاندارد در اماکن تفریحی (موزه‌ها، پارک‌ها، اماکن تاریخی، سالن‌های تئاتر و سینما و...)، مراکز تجاری، اداری و درمانی ۴- مناسب‌سازی سرویس‌های بهداشتی عمومی (سطوح شیب‌دار مناسب در ورودی، توالیت فرنگی و دستگیره فلزی کمکی داخل سرویس بهداشتی، تناسب درب ورودی سرویس بهداشتی با عرض ویلچر و واکر) ۵- ساخت سطوح شیب‌دار استاندارد در ورودی اماکن مذهبی و در نظر گرفتن امکان تردد زنان توان‌یاب در طبقه‌ی دوم مساجد ۶- مناسب‌سازی وسایل حمل‌ونقل عمومی (بالابر ویلچر و واکر، هم‌سطح سازی ایستگاه‌های اتوبوس با سطح ورودی اتوبوس‌ها، ساخت سطوح شیب‌دار و فضای قرار گرفتن ویلچر و واکر در اتوبوس‌ها و ایستگاه‌ها، مسیر مختص نابینایان در ایستگاه‌های اتوبوس و قطار شهری و خطوط تندرو، آسانسور در تمامی ایستگاه‌های قطار شهری و پل‌های هوایی سطح شهر و حتی‌الامکان مسیر تردد توان‌یابان جسمی-حرکتی (نابینایان، افراد دارای پروتز و مشکلات نخاعی) کوتاه‌ترین مسیر ممکن باشد) ۷- نظارت شهرداری بر وضعیت پیاده‌روها (عریض نبودن باغچه‌ها، عدم استفاده از سنگفرش‌های تزئینی برجسته) ۸- نظارت دقیق راهنمایی و رانندگی به عدم پارک خودروها در مقابل پل‌ها و سطوح شیب‌دار سطح شهر ۹- اصلاح طراحی گیت ایستگاه‌های خطوط اتوبوس تندرو (BRT) متناسب با عرض ویلچر و واکر توان‌یابان ۱۰- در نظر گرفتن مکان مشخص برای افراد دارای ویلچر و واکر در هواپیماها، سالن‌های تئاتر و سینما ۱۱- تقویت تعداد تاکسی‌های مناسب‌سازی شده در سطح شهر ۱۲- سطوح شیب‌دار استاندارد در ورودی، محوطه‌ی اصلی و تردد بین طبقات اماکن آموزشی (مدارس، دانشگاه‌ها

و آموزشگاه‌ها) ۱۳- در نظر گرفتن شرایط جسمی توان‌یابان در طراحی فضای آمفی‌تئاترها، سلف (تردد بین میزها، ارتفاع کارت‌خوان و پیشخوان دریافت غذا)، کتابخانه (ارتفاع قفسه‌ها و تردد در این بخش و سالن مطالعه، امکان استفاده از سیستم‌های جستجو) و خوابگاه‌های دانشجویی (ورودی خوابگاه، تردد بین طبقات، سرویس بهداشتی و حمام) ۱۴- اصلاح آیین‌نامه‌ی نظام‌مهندسی ساختمان در خصوص نصب آسانسور در ساختمان‌های مسکونی کم‌تر از پنج سقف و سطوح شیب‌دار استاندارد در مراکز مسکونی و تجاری ۱۵- نظارت دقیق سازمان نظام‌مهندسی ساختمان به مشخصات کابین آسانسورها و ورودی حمام، سرویس‌های بهداشتی منازل مسکونی و مراکز تجاری و اداری از حیث عرض ویلچر ۱۶- ساخت سطوح شیب‌دار به تعداد کافی در عرض جوی‌های آب ۱۷- حذف موانع فلزی و بتنی موجود در معابر عمومی و محلی ۱۸- طراحی مناسب باجه‌ها و استندهای نوبت‌گیری بانک‌ها و دفاتر پیشخوان دولت و... ۱۹- راه‌اندازی پویش‌های مردمی برای داشتن یک شهر دسترسی‌پذیر و احیای حقوق شهری توان‌یابان. لازم به ذکر است گرجی و شیرزاد (۱۳۹۷)، صارمی و گودرزی (۱۳۹۳) در حوزه‌ی اولویت‌های حقوق شهروندی توان‌یابان و بهره‌مندی از فضای شهری برخی از این استانداردها را برشمرده‌اند.

۱۰- منابع

- انصاری، اصغر، حافظ حسن‌زاده، مهلا، صفایی پویا، عطیه، نوروزی، محمدرضا (۱۳۹۵). توجه به توان‌یابان جسمی-حرکتی در مدیریت شهری مشهد، یازدهمین همایش پیشرفت علوم و تکنولوژی، صص ۱۰-۱.
- پناهی، حسین، یزدان پناه، لیلیا (۱۳۸۳). اثر ویژگی‌های فردی و مشارکت اجتماعی، فصلنامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۲۶، صص ۱۰۶-۷۰.
- پورحسین هندآباد، پریا، اقلیما، مصطفی، عرشی، ملیحه، تقی نژاد، زهرا (۱۳۹۵). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر مشارکت اجتماعی توان‌یابان جسمی-حرکتی، مجله‌ی توان‌بخشی، شماره‌ی ۱۷، دوره‌ی ۴، صص ۳۱۷-۳۰۸.
- توسلی، غلامحسین (۱۳۸۰). نظریه‌ی های جامعه‌شناسی، تهران: سمت، صص ۷۱-۶۵.
- جلیلی، خدیجه (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی توان‌خواهی، تهران، نشر علمی، صص ۹۷-۱۹.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران، نشر نی.
- حیدرپور، الهام (۱۳۸۵). مناسب‌سازی محیط زندگی توان‌یابان جسمی حرکتی، همایش ملی مناسب‌سازی محیط شهری تهران، پژوهشکده‌ی مهندسی و علوم پزشکی، صص ۴۹-۴۰.
- خلیلی، لیلیا (۱۳۹۶). توان‌یابان شهروندان بدون حقوق در کتابخانه‌های عمومی، همایش ملی آموزش حقوق شهروندی، دانشگاه شهید مدنی تبریز، صص ۲۰-۲.
- دهقانان، حامد، خاشعی، وحید، رحیمی، سعید (۱۳۹۵). تأثیر جو کاری و اندازه‌ی شبکه‌ی اجتماعی بر انگیزه‌ی فعالیت داوطلبانه کاربست نظریه‌ی خود تعیین‌گری، پژوهش مدیریت منابع سازمانی، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۳، ۸۲-۶۱.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۳). سنجش گرایش روستاییان نسبت به جهاد سازندگی، تهران، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، صص ۱۱-۹.
- سازمان بهزیستی خراسان رضوی (۱۳۹۶). گزارشات و اخبار توان‌بخشی، اداره کل استان خراسان رضوی.
- شاطریان، محسن، کیانی سلمی، صدیقه، کمری، مریم (۱۳۹۶). بررسی الگوهای گذران اوقات فراغت توان‌خواهان جسمی شهر کاشان، پژوهشنامه‌ی مددکاری اجتماعی، سال ۳، شماره‌ی ۱۱، صص ۱۸۲-۱۵۲.
- صابری، علی (۲۰۱۱). کاربرد سند CRPD در نظام حقوقی ایران، مجله‌ی استمسون، پیشبرد حقوق توان‌یابان: گفت‌و شنود ایران و آمریکا، مرکز افزایش بین‌المللی صلح و امنیت، واشنگتن دی سی، صص ۳۶-۳۱.
- صارمی، حمیدرضا، معظمی گودرزی، رضوان (۱۳۹۳). بررسی اولویت‌های حقوق شهروندی توان‌یابان نسبت به فضاهای شهری، دومین کنگره‌ی بین‌المللی سازه، معماری و توسعه‌ی شهری، تبریز، ۹-۱.
- علفیان، مسعود (۱۳۷۹). مشارکت و دیدگاه نو در مدیریت شهری، مجموعه مقالات مدیریت توسعه‌ی پایدار در نواحی شهری، همایش مدیریت توسعه‌ی پایدار، دانشگاه تبریز، صص ۹۱-۹۰.
- غفاری، غلامرضا، نیازی، محسن (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مشارکت، نشر نزدیک، صص ۹۰-۸۱.

۱۷. گرجی ازندریانی، علی‌اکبر، شیرزاد نظری، زهرا (۱۳۹۷). جایگاه حقوق توان‌یابان در حوزه‌ی حقوق شهری، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره‌ی ۸، شماره‌ی ۲۶، صص ۱۶۳-۱۳۶.
۱۸. محسنی تبریزی، علیرضا، زرین کفشیان، غلامرضا (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر طرد اجتماعی توان‌یابان، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۲، صص ۳۲۷-۳۵۲.
۱۹. مقامی، امیر، شاکرمی، مریم سادات (۱۳۹۷). حق تفریح و فراغت توان‌یابان، مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۱، صص ۳۲۷-۳۵۲.
۲۰. نصیب، سید محمدحسین، جهان‌بین، سید عبدالله، جهان‌بین، سید فخرالدین (۱۳۹۰). نگرشی بر وضعیت حقوق توان‌یابان در ایران در پرتو حمایت‌های رفاهی و مدنی دولت، نشریه‌ی حقوق اساسی، شماره‌ی ۱۶، صص ۱-۲۶.
۲۱. نوری، ابوالقاسم (۱۳۶۶). نقش کار و روش‌های افزایش اشتغال توان‌یابان، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، شماره‌ی ۱، صص ۲۷-۳۸.
۲۲. وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۸۶). ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری برای توان‌یابان جسمی-حرکتی.
۲۳. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۶). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، نشر علم.
24. Eriksson, L. (2006). Participation and disability- a study of Participation in school for children and youth with disabilities, Department of women and child health and Adolescent psychiatric unit karolinska institute Stockholm, Sweden, P 3.
25. Inglehart, R (1997). Modernization and Post-modernization: Cultural, Economic and Political Change in 43 Countries. Princeton: Princeton University Press, Pp.67-107
26. Kamali, masoud. 2009. Racial Discrimination, Institutional Patterns and Politics. London: Routledge, Pp. 16-36.
27. Lerner, Denial (1964), The passing of Traditional society, NewYork, P. 86.
28. Lindsay Sally (2016). A Scoping review of the experiences, benefits, and challenges involved in volunteering among young people and young adults with disabilities, Disability and Rehabilitation, Vol.38, (NO.16): Pp. 1533-1546.
29. Morris, J. (2005). Citizenship and disabled people: A scoping paper prepared for the Disability Rights Commission. Disability Archive UK (Universidad de Leeds).
30. Oesterle S, Kirkpatrick M, Mortimer J. (2004). Volunteerism during the transition to adulthood: a life course perspective. Soc Forces. 82: Pp.1123-1149.
31. Organization, W. H. (2001). Bulletin of the World Health Organization. 21(2): Pp. 1047-1055.
32. Pfeiffer, D. (2001), "The conceptualization of disability", Barnartt, S. and Altman, B. (Ed.) Exploring Theories and Expanding Methodologies: Where we are and where we need to go (Research in Social Science and Disability, Vol. 2), Emerald Group Publishing Limited, Bingley, Pp. 29-52.
33. Putnam (2000). Bowling alone, the collapse and revival of American community. New York, Simon. Pp. 291-300.
34. Rahman, Mdanisnr (1993), Peoples development, London/ ed books. Scot ,B.M. & Schwartz, A(2000). Sociology, USA: Allyn and Bacon, P 150.
35. Sepulchre Marie, Research about citizenship and disability: a scoping review, Disability and Rehabilitation, 2017; 39:10, 949-956.
36. Wilson J, Musick M. (1997). Who cares? Toward an integrated theory of volunteer work. Sociol Rev, 62: 694-713.